

کتاب سفید

عملیات تخریبی
پاکستان
علیه
انقلاب افغانی

مدیریت اطلاعات و نشرات
وزارت امور خارجه جمهوری دموکراتیک افغانستان
کابل - ۱۳۶۳

بازنایپ و تدوین: دبیچیتال: محمد قاسم آسیا
بازنشر: انتشارات راد پرچم

کتاب سفید

عملیات تخریبی

پاکستان

علیه

انقلاب افغانی

مدیریت اطلاعات و نشرات

وزارت امور خارجه

جمهوری دموکراتیک افغانستان

کابل - ۱۳۶۳

شناسنامه کتاب:

نام: کتاب سفید، عملیات تخریبی پاکستان علیه انقلاب افغانی

ناشر: مدیریت اطلاعات و نشرات وزارت امور خارجه

جمهوری دموکراتیک افغانستان

چاپ نخستین: کابل - ۱۳۶۲

بازتایپ و تدوین دیجیتال: قاسم آسمایی

باز پخش: انتشارات راه پرچم جنوری ۲۰۲۰

کتاب سفید

عملیات تخریبی
پاکستان
علیه
انقلاب افغانی

مدیریت اطلاعات و نشرات
وزارت امور خارجه
جمهوری دموکراتیک افغانستان
کابل - ۱۳۶۳

روی جلد چاپ نخستین کتاب

مندرجات

پیشگفتار

پاکستان لانه ضد انقلاب

در خفای دشمنان

- آیا دستها "پاک" باقی ماندند؟
- "مهاجرین" نه، بلکه عساکر اجیر
- از طریق چاینل‌های مخفی
- بر بنیاد مسلکی
- سیستم چند مرحله‌ای

مصیبت از کجا منشاء می‌گیرد؟

- مداخله نظامی پلان شده
- در تحت پوشش شب
- آتشباری شدید افتراآت

ضمیمه ۱ مراکز محلات تربیه ضد انقلابیون افغانی در پاکستان

ضمیمه ۲ ذخیره گاه‌های اسلحه جنگی خواربار ضد انقلابیون

افغانی در پاکستان

بیشگفتار

در طول تمام تاریخ افغانستان مردم ما بارها مجبور بود با اسلحه در دست از حق خود برای موجودیت مستقل و تعیین آزادانه سرنوشت خود دفاع نماید. این حق را مردم ما نه از لطف کسی بلکه در نتیجه مبارزه سخت که طی آن هزاران هم‌میهن ما جان خود را قربانی دادند بدست آورده اند. مبارزه قهرمانانه مردم افغانستان برضد استعمار برطانوی که در جریان سه جنگ تجاوزگرانه تلاش داشت میهن ما افغانستان آزادی دوست را از حاکمیت دولتی محروم سازد به تمام جهان متمدن بخوبی معلوم است.

مطلب دیگر کمتر معلوم است که در اواسط قرن جاری دشمنان جدید و بر مراتب خطرناکتر در برابر افغانستان که در اثر آزمون های شدید استقلال خود را کسب نمود قرار گرفتند. این دشمنان طی مدت دراز اهداف حقیقی خود را با نقاب ریاکارانه توجه به صلح و ثبات در منطقه، علایق رشد افغانستان و غیره پرده پوشی میکردند. اما زمانی که در جریان انقلاب ثور سال ۱۳۵۷ برای مردم ما برای نخستین بار امکان میسر گردید راه انکشاف تاریخی را حقیقتاً آزاد انتخاب کنند، این نقابها برداشته شد؛ زیرا اینها دیگر نمیتوانست نیت صریحاً تجاوزگرانه، هژمونیک و ضد دموکراتیک امپریالیزم امریکا، محافل حاکمه پاکستان، ایران و بعضی کشورهای دیگر را پنهان کند که با مصالح افغانستان منحصی دولت مستقل، باحاکمیت، غیرمنسک و دموکراتیک هیچ وجه شترک نداشت. همانا اکنون در مرحله تحولی تاریخ افغانستان ماهیت سوءقصد وسیع و

دامنه دار ایالات متحده امریکا و متحدین آن بر ضد مردم افغانستان که طی ده‌های چند قبلی تدارک میشد، بخوبی دیده میشود و نقشه‌های شان در مورد سلب استقلال افغانستان و تبدیل این کشور به حربه سیاست استعمار جدید آشکار گردید. در اسناد رسمی قبلاً نشر شده حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان نقش سمت دهنده و سازماندهنده ایالات متحده امریکا در تهیه و تدارک این سوءقصد بر اساس فاکنتهای تکذیب ناپذیر نشان داده شده است. رویدادهای امروزی نیز واضحاً سهمگیری وسیع و دیرین محافل حاکمه پاکستان را در فعالیت ضد افغانی نمایش میدهد. این محافل کشور خود را به حربه اصلی در ماجرای کل جهانی نیروهای امپریالیستی که در آن سرنوشت بسیاری از خلقها با خطر مواجه میگردد، تبدیل کردند. اگر رویدادها و حوادث دوره گذشته بخاطر آورده شود، علتی که پاکستان را به ایفای چنین نقش ناشایسته و ادار ساخت، بخوبی هویدا و قابل درک میشود.

رویه خصمانه محافل حاکمه پاکستان نسبت به دولت افغانی سابقه دیرین دارد. تحلیل عینی واقعیتها وانمود میسازد که سر از سال ۱۹۴۷ یعنی زمانی که بروی ویرانه‌های امپراطوری برطانوی، دولت پاکستان عرض اندام نمود محافل حاکمه آن کشور مشی سیاسی ضد افغانستان را که از استعمارگران برطانوی به ارث گرفتند پیگیرانه عملی کرده و تا امروز آنها را عملی میکنند. مانند پیشینیان خود آنها همیشه مانع استحکام استقلال افغانستان و رشد مستقلانه آن میشدند. مصالح مشروع افغانها را نادیده میگرفتند و بارها به تلاشهای بی ثبات سازی اوضاع سیاسی داخل افغانستان دست میزدند. مشی سیاسی داخلی و خارجی ضد مردمی که طی ده‌های اخیر در پاکستان استقرار یافت، بطور منطقی آن کشور را به اتحاد با امپریالیزم امریکا و رژیم استبدادی اخیراً سقوط داده شده

شاهی در ایران، رژیم‌های مرتجع عربی و بعداً به اتحاد با چین هژمون‌نویست رساند. هنوز در اواسط سال‌های پنجاه محافل جنگ طلب پاکستان آن کشور را به بلاک‌های نظامی سیاسی سنتو و سیاتو کشانیدند و با امضای معاهده دوجانبه با ایالات متحده امریکا، آنها دروازه‌های کشور خود را در برابر انحصارات امریکایی باز کردند و در طول تمام سال‌های پنجاه صادرات وسیع تسلیحات امریکایی به پاکستان صورت می‌گرفت. تجاوزگری پاکستان که بدین نسبت شدت می‌یافت تهدیدی را برای صلح در شرق میانه و آسیای جنوبی به وجود می‌آورد و باعث نگرانی مشروع هم افغانستان و هم سایر کشورهای منطقه می‌گردید. چنین مشی رهبران پاکستان، مانع عمده در راه انکشاف مناسبات عادی بین کشورهای ما و همچنان مانع حل و فصل مسائل حل نشده بود که از استعمار برطانوی به ارث گرفته شد.

در سالهای پنجاهم هدف اساسی امپریالیزم امریکا و متحدین آن در منطقه یعنی پاکستان و ایران عبارت از آن بود که افغانستان از راه عدم انسلاک، بیطرفی مثبت و عدم اشتراک در بلاک‌های نظامی منحرف شود و این کشور تابع مشی سیاست خارجی ایالات متحده امریکا گردد که برضد کشورهای سوسیالیستی، نهضت ملی آزادی بخش و جریانات دموکراتیک متوجه بود. برای عملی ساختن این اندیشه‌های دورنمایی از هیچ چیز دریغ نمی‌کردند. با در نظر داشت این مطلب که کشور ما راه خروج به بحر ندارد و مجبور بود امتعه تجارت خارجی خود را از اراضی کشورهای هم‌سرحد حمل و نقل نماید، حکومت پاکستان مکرراً ترانزیت اموال افغانی را عقیم گذاشته و بمنظور وارد آوردن فشار بالای افغانستان بی‌نظمی‌ها را در نواحی سرحدی تحریک می‌کرد، پروپاگند کینتوزانه ضد افغانی براه می‌آورد، پشتون‌های ساکن پاکستان را مورد فشار قرار داده

و بدین ترتیب به احساسات ملی افغانها برمیخورد. ایران بنوبه خود در رابطه با توزیع آب‌های دریای سرحدی هلمند به افغانستان ادعاهای بی اساس ارائه میکرد که بارها منجر به پیدایش اوضاع حاوی خطر انفجار میگردد.

سالهای شصتم مصادف با تشدید مزید تلاشهای آوردن فشار بالای افغانستان گردید، ولی ناگفته نماند که این بار موازی با وسایل سیاسی بیشتر از میتوذهای فشار اقتصادی استفاده میشد. هچنان خرابکاری‌های ایدیولوژیک وسیعاً عملی میشد و تلاش‌های تحریف دادن گذشته تاریخی و تقلیل اهمیت فرهنگی خود ویژه افغانی به عمل آورده میشد. همزمان با این ایالات متحده امریکا و کشورهای گوش بفرمان آن پیوسته برای جلب کردن افغانستان به اتحادیه‌های تجاوزگرانه نظامی - سیاسی منجمله "همکاری منطقوی بخاطر انکشاف" سعی و کوشش میکردند. سمتگیری ضد افغانی سیاست پاکستان هدف انتقاد شدید از طرف محافل وسیع اجتماعی کشور ما، منجمله روشنفکران وطن پرست، معامله گران ملی و صاحب منصبان قوای مسلح قرار گرفت، در خط فاصل سالهای شصتم و هفتادم در جامعه ما با پشتیبانی اسلام‌آباد و سازمانهای محافظه کار پاکستان یک‌عده گروه بندی سیاسی ارتجاعی بوجود آمدند که هسته ضد انقلاب بعدی را تشکیل دادند.

بخوبی معلوم است منجمله بسیاری از هموطنان ما خبر دارند که بعد از سقوط رژیم شاهی در سال ۱۳۵۲ سرویس‌های جاسوسی پاکستان در تدارک و سازماندهی یک‌عده سوءقصد‌های ضددولتی در افغانستان غرض از بین بردن دستاروذهای دموکراتیک مردم، تضعیف نیروهای ترقی و برقراری رژیم پسندیده شان در کشور ما سهم گرفتند. همانا در آن سالها، و نه بعد از انقلاب ثور طوریکه

بعضی‌ها گمان میکنند، گلبدین حکمتیار جنایتکار و گروه همدستان او در خاک پاکستان پناه یافتند و در آنجا با کمک سی. آی. ای و مقامات پاکستانی اولین تکیه گاههای ضد انقلاب افغانی را ایجاد کردند.

در دوره قبل از انقلاب ایالات متحده امریکا و متحدین آن پاکستان و ایران با استفاده از عقب ماندگی و مشکلات افغانستان، بیشتر و فعالانه تر به متوذهای فشار اقتصادی دست زدند. کمک نام نهاد پاکستان و ایران به تدریج به وسیله نفوذ امپریالیزم و جزو ترکیبی نقشه بمراتب وسیعتر تابع ساختن سیاسی و ایدیولوژیک افغانستان به اهداف ستراتژیک غرب تبدیل میشد. نقش معین در این امر به رژیم شاهی ایران که روابط سیاسی و نظامی آن با پاکستان دائماً رو به تحکیم بود داده شد. ایالات متحده امریکا و متحدین آن در منطقه موازی با ازدیاد تا اندازه مساعدت اقتصادی به افغانستان مقیاس نفوذ ایدیولوژیک خود را در افغانستان وسعت دادند و برای این منظور از سفارت‌های خویش در کابل وسیعاً کار می‌گرفتند. فعالیت ضد افغانی این نیروها با بدرقه هیاهویی پیرامون "تهدید نام نهاد شوروی" که در وقت‌های مختلف براه انداخته میشد، صورت می‌گرفت. با در نظر گرفتن این مطلب که افسانه مذکور یکی از مهمترین وسایل پروپاگند غرب بوده و میباید، باید آنرا مفصلتر مطالعه نماییم.

بخوبی معلوم است که دولت‌ها همسایگان خود را انتخاب نمی‌کنند. موازی با نظام اجتماعی، فرهنگ، عنعنات و سایر شرایط برای سرنوشت تاریخی آنها عوامل جغرافیایی - سیاسی حایز اهمیت زیاد است. تاریخ مردم ما نشان میدهد که همسایگان افغانستان در جنوب، جنوب شرق و غرب یعنی پاکستان و ایران طی ده‌های زیاد نسبت

به دولت ما موقفهای خصمانه را اشغال میکردند. محافل حاکم این کشورها در سیاست ضدافغانی خود از علایق مغرضانه و خودخواهانه و همچنان بطور مستقیم و یا غیرمستقیم به پیشبرد اهداف ستراتیژیک سراسر جهانی ایالات متحده امریکا، دولتی که قرار معلوم هزاران کیلومتر دور از این منطقه موقعیت دارد، مساعدت مینمایند.

در عین حال مناسبات افغانستان با اتحاد شوروی همسایه شمالی ما که سرحد بآن در اراضی طبیعی جغرافی به مسافه تقریباً ۲۵۰۰ کیلومتر امتداد دارد در سمت دیگر و مساعد برای افغانستان طور عنعنوی انکشاف می یافت. برخلاف ایران و پاکستان همسایه شمالی ما دایماً علاقمندی خود را به موجودیت دولت واحد و مستقل افغانی در جوار سرحدات خود که قادر باشد از استقلال خویش دفاع کند به اثبات میرسانید. در این باره سابقه بیش از شصت ساله مناسبات افغانستان و شوروی گواهی میدهد.

برقراری مناسبات دوستانه افغانی و شوروی در دوره بحرانی برای مردم ما زمانی که نسل جدید افغانها برای مبارزه بخاطر استقلال وطن خود برخاستند و داخل زد و خورد شدید با استعمار برطانوی گردیدند، صورت گرفت. اولین معاهده متساوی الحقوق افغانستان با قدرت بزرگ در سال ۱۹۲۱ با همسایه شمالی بامضا رسید که تا امروز طور وسیع و بی غرض بر اساس منافع مشترک به انکشاف افغانستان مساعدت نمود. در تعلیم و تربیه کادرهای ملی کمک و معاونت زیاد اقتصادی به کشور ما می رسانید. در همان دوره مردم افغانستان به اهالی گرسنه نواحی مرکزی روسیه شوروی با مواد ارتزانی کمک قابل ملاحظه رسانید. در اوایل سالهای چهلم در پرتو مساعی مشترک حکومت اتحادشوروی و افغانستان پلانهای

کشانیدن کشور ما به جنگ جهانی دوم در طرف آلمان فاشیست نقش برآب گردید. سالهای پنجاه مصادف با آغاز همکاری وسیع و مختلف الجانبه شوروی و افغانستان گردید. لازم به ذکر است که در آن زمان و نه بعد از انقلاب ثور طوری که بعضی ها گمان میکنند، اتحادشوروی برحسب خواهش حکومت افغانستان به اعطای مساعدت جهت استحکام قابلیت دفاعی افغانستان اقدام نمود. لزوم چنین کمک در آن نهفته بود که در آن سالها باز هم تلاشهای برهم زدن حاکمیت ملی کشور ما که از طرف ایالات متحده امریکا و متحدین آن در بلاکهای نظامی - سیاسی اتخاذ میشد، شدت یافت. مناسبات دوجانبه مساوی الحقوق اساس عینی برای انکشاف همکاری در عرصه بین المللی نیز بود. اتحاد شوروی دایماً با درک و احترام به مشی مستقلانه افغانستان منحیث دولت غیرمنسلک مینگریست.

گفته فوق امکان میدهد باین نتیجه برسیم که افسانه درباره "تهدید شوروی" به افغانستان هدف کاملاً معین پروپاگندی را تعقیب مینماید. محافل ارتجاعی ایالات متحده پاکستان، ایران و سایر نیروهای متخاصم به افغانستان از این نیز برای آن استفاده مینمایند تا اندیشه درباره "تمایلات پنهان شده" اتحاد شوروی نسبت به افغانستان در شعور افغانها تزریق گردد. در صورت عملی شدن این کار کشور ما از امکان اتکا بر پشتیبانی متحد عنعنوی خود محروم میشد و دشمنان حقیقی میتوانستند بلامانع نقشه‌های دور نمایی خود را عملی سازند. عناصر مرتجع در داخل کشور که از دیرزمان و طور نزدیک با امپریالیزم امریکا همپیمان شدند تیزس درباره تهدید "شوروی" هم‌آواز شدند و با سوءاستفاده از احساسات مذهبی اهالی راجع به نفوذ "کافر‌ها" به افغانستان دم زده و میزنند.

هویدا است که این همان سیاست ترساندن افغانها با تهدید شوروی و اهداف آن یکی است. چنین ارزیابی سیاست ضد افغانی ایالات متحده امریکا و متحدین آن با تمام جریان انکشاف جامعه ما که در سال ۱۳۵۷ برای نوسازی و پیشرفت اجتماعی گام نهاده، بصورت قانع کننده تأیید میگردد.

انقلاب افغانستان در یکی از عقب مانده ترین کشورهای جهان بوقوع پیوست. بیسوادی تقریباً کامل، فقر و تهیدستی اکثریت اهالی، عدم عنعنات و مفاهیم دموکراتیک، استبداد محافل حاکمه و استثمار وحشیانه مردم توسط ملاکین و رباخواران، خودسری و فساد دستگاه بوروکراتیک اداری، تبعیض مذهبی اقلیتها، عدم امکانات علنی برای ابراز اعتراض اجتماعی، چنین بود خاصیت‌های متمایز جامعه افغانی در آستانه انقلاب.

در جریان مرحله ابتدایی انقلاب يك سلسله اقدامات مهم سیاسی و اجتماعی - اقتصادی عملی گردید. قرض دهقانان در برابر ملاکین و رباخواران از بین برده شد، اصلاحات ارضی به نفع دهقانان بی زمین و کم زمین آغاز شد، اتحادیه های صنفی و کارگری و سایر سازمانهای اجتماعی دموکراتیک ایجاد گردید، مساوات تمام ملیتها و اقوام و مردان و زنان بصورت مقننه اعلام گردید و تدابیر برای انکشاف معارف، حفظ الصحه و فرهنگ اتخاذ شد و مبارزه با بیسوادی آغاز یافت، در رشته سیاست خارجی وضع جمهوری دموکراتیک افغانستان به صفت دولت غیر منسلک که مناسبات خود را با سایر کشورها بر اساس اصول همزیستی مسالمت آمیز بنیانگذار مینماید، تأیید گردید.

در کشور کم رشد و کثیرالمله طبیعی میبود انتظار آنرا داشت که نیروهای انقلابی ملی دموکراتیک به رهبری حزب دموکراتیک خلق

افغانستان هنگام تطبیق پروگرام اصلاحات و تحولات دموکراتیک با دشواریهای زیاد روبرو شوند. هر نوع افراط کاران از ماورای راست گرفته تا افراط کاران ماورای چپ برضد دموکراتیک سازی زندگی اجتماعی و اصلاحات اجتماعی - اقتصادی اقدام نموده سیل پروپاگند دروغین را فرو ریختند و فعالیت‌های تروریستی را علیه نیروهای دموکراتیک دامن زدند، نمایندگان طبقات سقوط داده شده فیودالی، ملاکین، اولیای نظامی - بوروکراتیک، قسمت ارتجاعی روحانیون و عناصر جنایتکار هسته ضد انقلاب افغانی را تشکیل دادند و گروه بندی‌های ماویستی و سایر دستجات افراطی در مبارزه ضد دموکراتیک نیز شامل شدند. متأسفانه در صفوف نیروهای انقلابی هم عناصر افراط کار پیدا شدند که تلاش داشتند اراده خود را برحزب تحمیل نمایند. اما در هج کجا و هیچ گاه پدیده‌های نو به آسانی بوجود نمی آمد و هیچ کجا و هیچ گاه پدیده کهنه داوطلبانه به پدیده نوره نمیدهد. با آنهم باید خاطر نشان شود که نیروهای مخالف با تحولات دموکراتیک، کم شمار بودند و نمی توانستند به پشتیبانی توده‌های وسیع مردم حساب کنند. آنها چون فاقد پشتیبانی در داخل کشور بودند، آنرا در خارج نزد آنانی دریافتند که با آنها از دیر زمان رابطه داشتند. مطلب برسر امپریالیستان امریکایی، نظامیان پاکستانی، رجال مذهبی - سیاسی ایران، حکمرانان مرتجع بعض از مالک عربی است. لازم است بار دیگر خاطر نشان شود که نه بار سنگین مسایل اجتماعی داخلی که حکومت انقلابی به دموکراتیک از رژیمهای سابق به ارث گرفت و نه اشتباهاتی که رهبران جمهوری دموکراتیک افغانستان در مرحله ابتدایی انقلاب مرتکب شدند، اساس آن اوضاع را تشکیل دادند که در افغانستان و در اطراف آن بوجود آمده بلکه علت عمده و ریشوی دشواری‌های که مردم ما با آنها روبرو شد و در تطابق اهداف ستراتیگ نیروهای

خارجی و ارتجاع داخلی افغانستان که با مصالح ملی کشور ما و مردم آن خصمانه میباشد، و در ایجاد اتحاد ننگین بین این نیروها و بالاخره در آغاز جنگ اعلام نه شده علیه جمهوری دموکراتیک افغانستان نهفته است.

در میان نیروهای مختلف النوع ضدانقلابی که برضد جمهوری دموکراتیک افغانستان فعالیت مینمایند یکی از نقشهای عمده را رژیم دیکتاتوری - نظامی ضیاءالحق ایفا مینماید که اراضی پاکستان را به پایگاه واقعی تجاوز مبدل ساخت. علاوه بر تکیه‌گاه‌های ارتجاع افغانی که قبل از انقلاب ثور ایجاد شده در اراضی پاکستان، نمایندگی‌ها و اقامت گاه‌های مهاجرین افغانی ایجاد و آزادانه فعالیت مینمایند و بیش از صد مرکز و اردوگاه تعلیم و تربیه تروریست‌ها و خرابکاران دایر گردید که از جمله افغان‌هایی اجیر میشوند که به علل مختلف خارج از وطن خود واقع شدند و بعداً به داخل افغانستان مستقل اعزام میشوند. سازماندهی این فعالیت ضد افغانی با اشتراك فعال محافل عالی مقام نظامی پاکستان صورت میگیرد. میان گروه بندیهای ضد انقلابی نقش صاحب منصبان نیروهای مسلح پاکستان زیاد شده میرود. دسته بندی‌های خرابکار تروریستی افغانی به تعلیمات و تطبیقات اردوی منظم پاکستان جلب میشوند، با اسلحه و مهمات جنگی از دیپوهای آن تأمین و تحت کنترول و با اشتراك محافظین سرحدی پاکستان به جمهوری دموکراتیک افغانستان انتقال داده میشوند. سرویسهای جاسوسی اسلام‌آباد و سایر کشورها با ضد انقلاب افغانی فعالانه همکاری مینمایند و از آنها برای جمع آوری معلومات استخباراتی استفاده بعمل می آورند.

در زمان اخیر رژیم پاکستانی از جنگ اعلام نشده علیه جمهوری دموکراتیک افغانستان به عملیات مستقیم نظامی در نواحی سرحدی

میپردازد. قوای توپچی پاکستان نقاط مسکونی افغانی و هواپیماهای افغانی را مورد گلوله باری قرار میدهد. طیارات قوای هوایی پاکستان منظمأ به قلمرو فضایی ج. د. ا تجاوز مینمایند. رژیم ارتجاعی ضیاء الحق صاحب منصبان پاکستانی را به اشتراك مستقیم در عملیات جنگی باندهای ضد انقلابی افغانی در اراضی افغانستان تشویق مینماید.

سرنوشت هموطنان ما که خارج از سرحدات میهن منجمله در پاکستان واقع شدند، موجب نگرانی خاص حکومت ج. د. ا میباشد. برخی از آنها با پروپاگند خصمانه فریب خوردند، دیگران جهت دریافت مزد حتی قبل از انقلاب به خارج رفتند، و عده زیاد کوچی ها طور عنعنوی از افغانستان به پاکستان و در سمت معکوس رفت و آمد مینمایند. لیکن مقامات پاکستانی تمام این اشخاص را در جمله "فراریان" قلمداد مینماید. رژیم ضیاء الحق و سرکردهگان سازمانهای مهاجرین ضد انقلاب که در خاک پاکستان سنگر بستند علناً و بی شرمانه از افغانهایی که موقتاً در اراضی پاکستان واقع شدند، در مبارزه علیه وطن شان استفاده مینمایند. وسایل مالیات پردازان خارجی که برای " فراریان نام نهاد افغانی" اختصاص دارد گستاخانه برای اهداف کاملاً معکوس ضد بشری یعنی غرض سازماندهی مبارزه مسلحانه علیه مردم افغانستان بکار برده میشود. مبالغ هنگفت توسط مامورین پاکستانی و سرکردهگان ضد انقلاب دزدی میشود تا جائیکه به حکومت افغانستان مربوط است باید گفت که برای افغانهایی که موقتاً به علل مختلف در اراضی پاکستان و سایر کشورهای همسایه واقع شدند، آزادی کامل و مصونیت را در صورت بازگشت آنها به وطن تأمین مینماید.

نقشه های مختلف النوع فعالیت تخریبی علیه ج. د. ا در جریان بازدید های شخصیت های عالی مقام ایالات متحده امریکا، سایر کشور های عضو بلاک ناتو و چین از پاکستان بررسی میشود.

بدین ترتیب مشی ارتجاعی سیاست خارجی محافل حاکمه پاکستان منجر به تبدیل آن کشور به پایگاه مقدم امپریالیزم و ارتجاع در ناحیه شرق میانه و آسیای جنوبی و مرکز جنگ جویی و تجاوز علیه کشورهای مستقل گردید. نظامیان پاکستان وظایف ژاندارم امپریالیزم امریکا را بعهدہ میگیرد که مغایر علایق ملی خود پاکستان است. طبیعی است که این نقش را اسلام آباد مغرضانه ایفا مینماید. همانا مقامات اداری ایالات متحده است که سخاوتمندانه سهمگیری رژیم ضیاءالحق را در جنگ اعلام نشده علیه ج. د. ا و سرکوبی نیروهای مترقی و دموکراتیک در داخل پاکستان توسط رژیم مذکور را تمویل مینماید.

مشی تشدد آمیز ضد افغانی رژیم ضیاءالحق و مقام وابسته آن در ائتلاف نیروهای مخالف با جمهوری دموکراتیک افغانستان، عدم تمایل آنرا برای حصول حل و فصل همه جانبه سیاسی اوضاع پیرامون افغانستان در جریان مذاکرات غیرمستقیم ژنیو توضیح میدهد. در ضمن آن با مهارت حقه بازی علل و معلولهای حقیقی اوضاعی که در اطراف افغانستان بمیان آمده و کشور ما را وادار ساخت برای کمک به همسایه شمالی مراجعه نماید، تحریف میشود. بخوبی معلوم است که اتحاد شوروی با پیروی از روحیه همکاری و حسن همجواری عنعنوی شوروی و افغانستان، در وقت دشوار برای مردم ما زمانی که از دست رفتن استقلال و حاکمیت ملی او را تهدید میکرد، تعهدات خود را بر حسب معاهده سال ۱۹۷۸ ادا نمود. بلی هویدا است که موضوع اقامت قطعات محدود عساکر

شوروی در کشور ما موضوع مناسبات دوجانبه بین اتحاد شوروی و ج. د. ا میباشد.

علی که افغانستان را وادار ساخت از اتحاد شوروی خواهش ورود قطعات مذکور به اراضی افغانستان را بعمل آورد در صورت اختتام و تضمین آغاز نشدن مجدد تجاوزات مسلحانه و تمام سایر اشکال مداخله در امور داخلی وطن ما خود بخود از بین خواهد رفت. لیکن با در نظر داشت روش امروزی واشنگتن و اسلام‌آباد در مورد حل سیاسی اوضاعی که در اطراف افغانستان تشکیل شده، میتوان گفت که ادامه جنگ علیه افغانستان برای شان گرامی تر نسبت به برقراری صلح در جنوب غرب آسیا میباشد.

چیزی که به خود اسلام‌آباد مربوط است، طوری که واقعیت‌ها نشان میدهد. او در ائتلاف ضد افغانی در جناح بینهایت راست و میتوان گفت راستتر از عقل سلیم جا گرفت. در صورت آشنا شدن با مدارك مندرج در این نشریه باین مطلب میتوان اعتقاد حاصل کرد.

پاکستان لانه ضدانقلاب

شعله انفجاری که صبح (۱۰ سنبله ۱۳۶۲) در میدان هوایی بین‌المللی کابل به وقوع پیوست، یکبار دیگر در مقابل خلق افغان و محافل اجتماعی بین‌المللی همان نقشی را آشکارا ساخت که رژیم نظامی پاکستان در جنگ اعلام نشده ایفا نموده که از طرف نیروهای امپریالیستی بر ضد جمهوری دموکراتیک افغانستان براه انداخته شده است. ۱۳ کشته ۲۰۷ زخمی - چنین است نتیجه خونین فعالیت‌های تروریستی که توسط باندیت‌های اجیرشده در عمل پیاده کردند. آنها از پاکستان سلاح‌های ساخت آمریکا و چین را که برای اجرای قتل و قتال مورد نیازشان است با خود انتقال دادند. مریبون امریکایی و سایر مریبون در خاک پاکستان "هنر آدم‌کشی" را به آنها آموزش داده و اجنت‌های سی. آی. ای در پاکستان برای آنها مبلغ ۴ هزار دالر به خاطر کشتار مردم بی‌دفاع افغانستان دستمزد پرداخته اند.

انفجاری که در این روز در کابل بوقوع پیوست - فقط یکی از هزاران جنایتی است که در خاک عذاب کشیده ما توسط باندیت‌ها اجرا گردید. باندیت‌های مذکور برای این منظور تربیه شده و با کلیه انواع لازم سلاح‌ها در پاکستان مسلح گردیده اند.

امپریالیزم بین‌المللی به سردمداری ایالات متحده آمریکا از اولین روزهای انقلاب شور در افغانستان پاکستان را به تخته‌خیز تجاوزات علیه جمهوری ما و مرکز تربیه باندیت‌های ضد انقلابی افغانستان

ادامه داده نقش اشتراک کننده و تحقق بخشنده فعال سیاست ضد افغانی ایالات متحده امریکا و سایر کشورهای غربی و محافل ارتجاعی کشورهای اسلامی و چین را ایفا میکند.

جهات اساسی این فعالیت خرابکارانه عبارت اند از:

- پشتیبانی همه جانبه از سازمان های ضد انقلابی افغانی، کشتاندن مهاجرین افغانی به حرکات ضد انقلابی.
- تشکیل و تربیه نظامی باندیت‌ها، تهیه سلاح، تجهیزات جنگی خوار بار و دیگر اموالی که از خارج به ضد انقلاب میرسد.
- براه انداختن تبلیغات ضد افغانی
- سهمگیری مستقیم در دسایس و توطئه های مسلحانه بر علیه کشور ما .

هر يك از جوانب این فعالیت‌های کثیف رژیم نظامی پاکستان را افشا کرده و ضرورت برآنست تا در روند بررسی اعمالش به فاکت ها اتکا صورت گیرد.

در ماه جدی سال ۱۳۶۲ واقعه ای اتفاق افتاد که چندان مورد توجه قرار نگرفت. زیرا حادثه فوق در مناسبات اسلام‌آباد با باندیت‌های افغانی که لانه‌های خود را در خاک پاکستان پهن کرده اند چندان ویژگی نداشت، جنرال ضیاءالحق امر داد تا برای رهبران به اصطلاح "مقاومت افغانی" پاسپورت‌های دیپلماتیک داده شود.

مقاومت علیه چه؟

علیه تحولات مترقی که در کشور ما در جریان انقلاب ملی - دموکراتیک بوقوع می پیوندد.

مقاومت علیه آنچه که مطابق به قانون اصلاحات ارضی فقیرترین دهقانان بی زمین و کم زمین قطعه زمینی بدست می آورند و امکان آن برایشان میسر میشود از آن برای خانواده های خود خوراک تهیه کنند.

علیه این مطلب که برای نمایندگان کلیه اقشار جامعه افغانی امکان کسب سواد و آشنایی با فرهنگ میسر شده است.

علیه آنچه که قبلاً طبقات ستمکش جامعه افغانی، نمایندگان ملیت های مختلف ساکن در سرزمین باستانی ما با کسانی که طی قرون متوالی در کشورمان آقایی میکردند در انکشاف اجتماعی خویش امکانات مساوی بدست آورده اند.

سرکردگان آنهایی که در سرزمین افغانستان به غارتگری و زورگویی زد و بند مصروف اند از دست دیکتاتور نظامی مسئولیت سیاسی کسب مینمایند. سرکردگان آنهایی که مکاتب را آتش زده، معلمین را به قتل رسانیده و دست شاگردان مکاتب را قطع میکنند. سرکردگان کسانی که ملاحا و روحانیون را فقط به خاطر آنکه مطابق به احکام قرآن صلح و آرامی را در سرزمین محبوب خویش تبلیغ کرده و از هم میهنان خود دعوت بعمل می آورند تا به وطن

خود وفادار باشند به قتل می رسانند. سرکردهگان کسانی که خانه ها را ویران ساخته و اهالی قبیله خویش را غارت میکنند.

باید درباره پاسپورتها اظهار داشت که رژیم اسلام‌آباد برای ضد انقلابیون نه تنها پاسپورت‌های دیپلوماتیک بله. ... پاسپورت‌های جعلی نیز میدهد. این پاسپورت‌ها را کسانی به طور غیرمحدود بدست می آورند که در پاکستان تعلیمات خاص فعالیت‌های تخریبکارانه را در سرزمین جمهوری ما دیده اند.

در خاک پاکستان قریب پنجاه سازمان ضد انقلابیون افغانی برای خود لانه چیده اند که بزرگترین آنها به دو اتحادیه متحد آمدند.

یکی از آنها " اتحاد اسلامی مجاهدین افغانستان "تحت نام - اتحاد هفت گانه " است که در ماه سنبله ۱۳۶۰ ایجاد گردیده و در صفوف خود سازمانهای ضد انقلابی را متحد نموده که هدف از آنها استقرار جمهوری اسلامی در افغانستان می باشد. در این اتحاد " حزب اسلامی افغانستان "تحت ریاست گلبدین حکمتیار، " جمعیت اسلامی افغانستان " تحت ریاست برهان الدین ربانی، حزب اسلامی مبارزین افغانی راه دین " (رهبر - یونس خالص) و چهار گروه ضد انقلابی کوچکتر دیگر شامل اند.

اتحادیه دوم که در ماه قوس سال ۱۳۶۰ تأسیس شده سه سازمان و عده ای از گروههای کوچک طرفدار رژیم شاهی را باهم یکجا ساخته است. این سازمان به نام " اتحاد اسلامی مجاهدین افغانستان " و یا " اتحاد سه گانه " یاد شده و هدف آن استقرار قدرت فیودالهای بزرگ و احیای رژیم شاهی میباشد.

در پاکستان کشوری که در آن هر نوع فعالیت احزاب سیاسی و سازمانهای اجتماعی ممنوع میباشد ضدانقلابیون افغانی خود را آزاد

احساس نموده و علنی فعالیت مینمایند. محافل حاکمه پاکستان هیچ مواعی را در راه فعالیت‌های ضد انقلابی "اتحادها" که متوجه دولت مستقل جمهوری دموکراتیک افغانستان میباشد و مستقیماً در پایتخت پاکستان مسکن گزیده اند، ایجاد نمی نماید.

عده مهاجرین افغانی در اسلام‌آباد به چهار هزار نفر بالغ میگردد. آنها برای اجرای جلسات، اجتماعات و تماس‌ها با خارجیان از آپارتمان‌های کرایبی واقع در جاده شماره ۳۶، ۳۷ و ۳۸ و کوچه شماره ۷ (ناحیه ف ۶ بر ۱ شهر) در جاده شماره ۴۸ (ناحیه ف ۸ بر ۴) جاده شماره ۳۵ (ناحیه ۷ بر ۱) و جاده ۵۷ (ناحیه ۹ بر ج) استفاده میکنند.

مرکز اداری ولایت سرحدی شمال غربی یعنی شهر پشاور لانه حقیقی ضد انقلاب شده است. شهر و اطراف آن به محل تمرکز قرارگاه‌ها، سازمانها و گروه‌های ضد انقلابی و مقر اختفای آنها بدل شده است. سرکردگان باندیت‌های افغانی در زیر چتر محافل حاکمه پاکستان و به پشتیبانی و حمایت فعالانه آنها با آرامی به کارهای کثیف خود مشغول اند.

و اما رژیم اسلام‌آباد با پشتیبانی از سازمانهای ضد انقلابیون افغانی اکتفا نکرده بلکه خود نیز در نقش انسجام کننده فعالیت‌های خرابکارانه آنها بر ضد دولتی ظاهر می شود که با آن مناسبات دیپلماتیک دارد. طور مثال ضیاءالحق به تاریخ ۲۲ ثور سال (۱۳۶۳) روی مسایل فعال سازی و انسجام فعالیت‌های خرابکارانه برضد جمهوری دموکراتیک افغانستان در اسلام‌آباد جلسه ای را ترتیب داد که یعقوب خان وزیر امور خارجه، نمایندگان قوماندانی نیروهای پیاده و گورنران ولایات هم سرحد با جمهوری دموکراتیک

افغانستان در کار آن سهم داشتند. رژیم ضیاءالحق بر فراریان افغانی در پاکستان فشارهای هرچه بیشتری را وارد میسازد تا تعداد هرچه بیشتر آنها را به صورت اجباری در حرکت ضد انقلابی جلب نماید. آنها تلاش می ورزند به هم میهنان ما که در پاکستان رفته اند این مفکوره را تزریق کنند که یگانه راه برای مسلمان صادق راه مبارزه با حکومت مردمی در جمهوری دموکراتیک افغانستان به نام "استقلال افغانستان به نام "دفاع" از جهان اسلام میباشد. در نواحی محل اقامت مهاجرین مرتباً ورقه‌ها و پوسترهایی را می آویزند که خواست آنها شامل شدن در صفوف مقاومت میباشد. محافل حاکمه پاکستان در عین زمان همراه با سازمانهای ضد انقلابی افغانی تدابیری را اتخاذ میکنند تا مانع بازگشت مهاجرین بسوی وطن شان گردد. حوادث زیادی اتفاق افتاده است که سرحدداران گروههای مهاجرینی را که به سوی افغانستان روان شده اند توقف داده و آنها را مجدداً به اردوگاهها عودت میدهند. در ماه های قوس و جدی سال گذشته حتی حوادث کشتار فراریان از پاکستان به جمهوری دموکراتیک افغانستان به وقوع پیوست.

جواسیس پاکستانی در اردوگاهها شبکه های استخباراتی ایرا ایجاد کرده اند که وظیفه آن کشف آنعده افغانهایی است که تصمیم دارند به وطن بازگشت نمایند. این اشخاص از متباقی فراریان تجرید گردیده و فعالین ایشان نابود میگردند.

آیا به عقیده شما در اولین نگاه وضع خارق العاده ایجاد نشده؟

رژیم اسلام‌آباد نسبت به وضع دشوار افغانهایی که در خارج از کشور خود زندگی میکنند اشک دلسوزی سرازیر ساخته و در عمل برای کسانی که صمیمانه سعی می ورزند تا به وطن خود بازگشت نمایند انواع موانع را ایجاد میکند. این رژیم مرتباً از دشواریهایی

شکایت می نماید که موجودیت اضافه از دو میلیون فراری افغانی در پاکستان به بار آورده و اما از مذاکرات مستقیم با جمهوری دموکراتیک افغانستان که میتواند به حل این پرابلم بیانجامد سر باز میزنند، و درین حالت به آتش جنگ اعلام نشده که به اشتراک آن سازمان داده شده و علت حقیقی پیدایش پروبلم فراریان افغانی نیز میباشد هیزم میریزند.

و اما در اینجا خارق العادگی ها فقط به نظر میرسد. در حقیقت امر رژیم ضیاء الحق خود خواستار حفظ وضع ایجاد شده باشد زیرا از این طریق امکان می یابد تا بخش اعظم از وسایل را که جهت تأمینات مهاجرین برای پاکستان اختصاص داده میشود چپاول کند. پاکستان در حالی که بحیث تخته خیز جنگ اعلام نشده بر علیه کشور همسایه و پایگاه تجاوز امپریالیزم برضد دولت دارای حاکمیت ملی و غیرمنسلک، خود را در خدمت قرار داده است از باداران خود ایالات متحده امریکا و بعضی کشورهای دیگر غربی، چین و تیمهای ارتجاعی عرب کمکهای سخاوتمندانه ای را بدست می آورد که بدون آن مسلماً موجودیت خود دیکتاتوری نظامی در کشور مورد شك قرار میگیرد.

گرداندگان امور پاکستان فعالیت های تبلیغاتی در اطراف وقایع کشور ما را طی دوران اخیر وسیعتر ساخته و تلاش می ورزند که به "مسئله افغانستان" خصلت بین المللی داده و ضد انقلابیون افغانی را از حمایت دیپلوماتیک برخوردار سازند. در این حالت این مطلب ویژه گی دارد که داد و بیدادهای ضد افغانی را مانند همیشه شخص ضیاء الحق آهنگ میدهد - رئیس جمهور پاکستان بروز ۱۷ سنبله سال ۱۳۶۳ حین سخنرانی در مراسم افتتاح سیمینار بین المللی "اسلام در مبارزه بخاطر صلح" که در آن نمایندگان اکثر دول

اسلامی اشتراکه داشتند و قایعی را که در کشور ما جریان دارد کاملاً دگرگون جلوه داده و جریانات جمهوری دموکراتیک افغانستان را منحیث "تهدیدی به کلیه کشورهای اسلامی" تحریف نموده و این تیزس را پیش کرد، که گویا باندیت‌های افغانی "بدفاع از کلیه جهان اسلام مبارزه میکنند."

فاکتهای دیگری نیز زیاد اند که مبین تلاش اداره نظامی پاکستان در جهت تأمین حمایت بین المللی برای قاتلین و غارتگران میباشد. به این فاکتها توجه میکنیم.

طی روزهای ۱۹ - ۲۲ قوس سال ۱۳۶۲ در اسلام‌آباد کنفرانس بین المللی اسلامی جریان داشت. در این کنفرانس سرکردگان ضد انقلابی افغانستان نیز دعوت شده و گلبدین حکمتیار ریاست یکی از جلسات آنرا بعهده داشت. هیات نمایندگی پاکستان تحت ریاست ضیاءالحق با رهبران ضد انقلابی رسماً "مشوره" کرد.

۲۹ جدی سال ۱۳۶۲ ضیاءالحق در اجلاس سازمان کنفرانس اسلامی کمک نظامی به دشمنان را علناً خواستار شده و تلاش کرد تا در رابطه با این مطلب روی سایر کشورها نیز فشار وارد گردد. او بر علیه پیشنهادات جناح مترقی سازمان - درباره اعاده عضویت جمهوری دموکراتیک افغانستان به آن بشدت سخن گفت. بنابه ابتکار رئیس جمهور پاکستان در اجلاس فوق رهبران ضد انقلاب افغانی دعوت شده و امکان سخنرانی از طریق تریبون آن به ایشان میسر گردید.

۱۵ سرطان سال ۱۳۶۲ ضیاءالحق با نمایندگان ایالات متحده امریکا، جمهوری مردم چین، مصر و عربستان سعودی روی مسایل تشدید فعالیت‌های تبلیغی بر علیه کشور ما تشکیل جلسه داده و

طی آن تصمیم بعمل آمد که منجمله باید گروپ‌های اختصاصی تبلیغاتی به خاک جمهوری دموکراتیک افغانستان فرستاده شود. جهت اجرای این تصمیم به تاریخ ۲۸ سرطان قریب پنجصد ملا طرفدار "حزب اسلامی افغانستان" به ولسوالی نازیان اعزام گردیدند که در زمره ملاهای مذکور بیست نفر آن اتباع پاکستان بودند.

رژیم اسلام‌آباد در حالیکه تلاش می‌ورزد موقف بین‌المللی ضد انقلابیون افغانی را استحکام بخشد و او توریته تشکیلات آنرا ارتقا دهد وظیفه میانجی‌تأمین تماس آنها را با نمایندگان دول غربی نیز به عهده دارد. این فهرست ناکامل فعالیت‌های را ارایه می‌دهیم که شخصیت‌های رسمی پاکستان تنها ما، جدی ۱۳۶۱ - جدی سال ۱۳۶۲ انجام داده‌اند.

- ملاقات ضد انقلابیون با لارڈ دیوید رئیس شورای انگلیسی در امور مهاجرین صورت گرفت.
- نمایندگان اداره نظامی حین ارایه لوازم طبی برای نمایندگان سازمان‌های ضد انقلابی با سفیر جمهوری فدرالی آلمان مقیم پاکستان ملاقات کردند.
- با نمایندگان خدمات جاسوسی ایالات متحده امریکا که در پاکستان تحت نام کارمندان انستیتوت‌های فرهنگی اقامت دارند و گویا نیازمندی‌های فراریان افغانی را مطالعه می‌نمایند تماس‌های دایمی برقرار شد.
- دیدار با کارکنان سفارت فرانسه که وظیفه شان استخدام دکتران و متخصصین رادیو برای ضد انقلاب افغانی می‌باشد صورت گرفت.
- اداره نظامی پاکستان از مفکوره ایجاد صندوق وجهی بین‌المللی جهت کمک ضد انقلابیون افغانی پشتیبانی کرد.

حسین نماینده آن به تاریخ ۲ قوس سال ۱۳۶۲ در کنفرانس راجع به افغانستان که بنا به ابتکار انستیتوت منطوقی روابط بین المللی در شهر مونت ری (کالیفورنیای ایالات متحده امریکا) تدویر یافت این مطلب را اعلام داشت.

در جریان این دیدارها و مذاکرات مسایل ارتقای ثمربخشی "جنبش" یاغیان مورد بررسی قرار گرفته خواسته‌های گروه‌های ضد انقلابی و پیشنهادات درباره افزایش کمک به آنها مطالعه گردید.

رهبان پاکستان برای آنکه به اصطلاح به مسئله افغانستان - خصلت بین المللی داده باشند در پروگرام دیدار هیات خارجی تبادل نظر روی "مسئله افغانستان" را شامل ساخته و مسافرت هیات خارجی را به اردوگاه‌های مهاجرین افغانی سازمان میدهند. سناریوی اینگونه تدابیر در واقع عین چیز میباشد، پشتیبانی از مبارزات "پارتیزان‌های" افغانی اعلام گردیده و نیز موقف آشکاری پاکستان روی "مسئله افغانستان" مورد تأیید قرار گرفته درین حالت از قطعنامه‌های سازمان ملل متحد، جنبش عدم انسلاک و سازمان کنفرانس اسلامی سوءاستفاده صورت میگیرد.

رژیم اسلام‌آباد برای بی اعتبار ساختن سیاست صلح جویانه جمهوری دموکراتیک افغانستان در نظر محافل اجتماعی جهان مساعی زیادی را به خرج میدهد. این رژیم درین کار خود وسیله برانت عمل ضد انقلابیون افغانی را دیده و توجه را به جانب "تهدید" به اصطلاح موجود توجه پاکستان از جانب جمهوری دموکراتیک افغانستان جلب کرده بناءً در گسترش پشتیبانی سیاسی و نظامی - اقتصادی به خود و برای ضد انقلاب افغانی از جانب ایالات متحده امریکا، چین، متحدین آنها و رژیم‌های ارتجاعی اسلامی سعی مینماید. محافل حاکمه پاکستان "گزارشاتی" را پیرامون بمبارد خاک

پاکستان و خاصتاً اردوگاه‌های فراریان افغانی توسط طیارات قوای هوایی جمهوری دموکراتیک افغانستان سازمان می‌دهند. باید گفت که این موضوع قاعدتاً حین کار گردهم‌آیی‌های بین‌المللی و یا در آستانه دیدار رهبران دول غربی از پاکستان صورت می‌گیرد.

چنانچه "گزارش" در بارهٔ بمبارد مناطق مسکونی کرم و وزیرستان جنوبی مصادف با افتتاح سی و نهمین اجلاس اسامبلهٔ عمومی سازمان ملل متحد و دیدار هیلموت کول صدراعظم جمهوری فدرال آلمان از اسلام‌آباد بود.

فعالیت‌های خرابکارانه پاکستان بر ضد جمهوری دموکراتیک افغانستان که یکی از جوانب اساسی آن پشتیبانی سیاسی و دیپلماتیک از ضد انقلابیون افغانی می‌باشد رو به توسعه است. به این امر رهبران رژیم نظامی اسلام‌آباد نیز معترف اند. طور مثال در ماه سرطان سال ۱۳۶۳ یعقوب خان وزیر امور خارجه پاکستان آمرین شعبات مختلف وزارت خارجه کشور را دربارهٔ نتایج بازدید خود از ایالات متحده آمریکا، فرانسه، بلژیک و سایر کشورهای اروپای غربی مخاطب ساخته اعلام داشت که رهبری پاکستان در آینده نیز تصمیم دارد تا تدابیر شرایط موجودیت گروه‌های ضد افغانی و توسعه فعالیت‌های خرابکارانه بر علیه کشور ما را تأمین نماید.

رهبران سازمان‌های ضد انقلابی افغانی نیز پیوندهای جنایتکارانه خویش را با مقامات پاکستانی پنهان نمی‌کنند. چنانچه جریده "افغان جهاد" ارگان "اتحاد اسلامی مجاهدین افغانستان" به تاریخ اول حمل سال ۱۳۶۱ محتوای نامه‌ای را انتشار داد که از جانب شورای عالی "اتحاد" عنوانی ضیاءالحق ارسال شده و در آن به خاطر همکاری‌های همه‌جانبهٔ رژیم نظامی اظهار سپاس گردیده بود.

طی دوران اخیر بنا به امر شخص ضیاء الحق نمایندگان پاکستان با رهبران سازمان های ضدافغانی و ضدانقلابی تماسهای فعالانه ایرا تحقق میبخشند، که منظور از آن توافق روی موقف پاکستان در روند نوبتی مذاکرات با جمهوری دموکراتیک افغانستان میباشد که از طریق نماینده منشی عمومی سازمان ملل متحد انجام میشود و قرار است در بهار سال آینده در ژنیو از سر گرفته شود.

واقعیتهایی که در بالا ارائه شد به نحوی انکارناپذیری مبین سهگیری مستقیم پاکستان در حمایت سیاسی و پوشش دیپلماتیکی لانههای ضدانقلابی افغانی میباشد که در خاک آن تمرکز یافته اند. نقش اساسی اسلامآباد در جنگ اعلام نشده بر علیه جمهوری دموکراتیک افغانستان با انجام وظایف پایگاه تجاوز بر علیه دولت مستقل با سهگیری وی در امر تربیه نظامی تشکل باندها، تهیه اسلحه، مهمات جنگی، خواربار، مرمی ها و کلیه مواد سوختی که آتش شعله ضد انقلاب را تغذیه میکند؛ در پیوند می باشد.

در خفای دشمنان

در جنگ اعلام نشده امپریالیزم و ارتجاع علیه مردم ما به باندهای دشمن، منحیث وسیله مهم ضد افغانی که از پاکستان به قلمرو کشور ما صادر می شوند، نقش نیروی ضربتی داده میشود. آنهای که از رویارویی مستقیم با اردوی ما ابااء میورزند، ضربات بر احالی ملکی به منظور ایجاد خوف، بی ثبات ساختن اقتصاد و ایجاد موانع در راه استقرار حیات نوین در کشور ما وارد می آورند. قتل کارمندان دولتی و معلمان مکاتب، ملاها و دهقانان عادی، انفجار سینماها، میدانهای هوایی و سایر محلات پرنفوس اینها همان شیوه های تروریستی می باشند که رهبران اعمال باندیت های ضد انقلابی سازمان میدهند.

در خفا گروه های دشمنان جنایتکار که تبلیغات بورژوازی آنها را با سر و صداهای زیاد "مبارزان راه آزادی" می نامند، دشمنان خشن استقلال ملی، مخالفان آشتی ناپذیر ترقی اجتماعی و امپریالیست های ایالات متحده قرار دارند. جنگ علیه مردم افغانستان، علیه ایدیال های انقلاب ثور که کشور باستانی ما را بیدار ساخته است مخصوصاً از واشنگتن رهبری و سازمان داده میشود. سیاستمداران واشنگتن هم این مطلب را پنهان نمیکنند، سیف های آنان برای تمویل این جنگ وسیعاً باز می باشند. به بهانه جعلی کمک به مهاجرین

افغانی بالغ سرسام آوری به این جنگ اختصاص می یابند. از مبلغ هشتاد و پنج میلیون دالر در سال تا ۱۲۵ و حتی سه صد میلیون دالر نام می برند، گرچه این رقم‌های نهایی نیست. طبق گزارش روزنامه واشنگتن پست مبلغ اصلی "سری" بوده و بدون تردید این رقم در واقعیت امر بمراتب بیشتر از رقم بالا می باشد و کسی که این پول ها را می پردازد، جنگ اعلام نشده را هم سازمان می دهد. جورج بوش معاون رئیس جمهور امریکا در ماه ثور سال ۱۳۶۳ حین سخنرانی در یکی از اردوگاه‌های دشمن واقع پشاور با صراحت خواستار گردید تا مقاومت ادامه یابد.

ولی برای ادامه و توسعه مداخله در امور داخلی ما، واشنگتن امروز به تخته‌های خیز اجیران و همدستان نیاز دارد. واشنگتن در شرق میانه، امریکای مرکزی و سایر مناطق جهان در همین روزها خصوصاً همین طور عمل میکند و در جنگ اعلام نشده ایالات متحده امریکا علیه جمهوری ما این شرایط را پاکستان متحد ستراتیژیکی امپریالین امریکا در منطقه برای آن فراهم می سازد.



در مرکز تربیه عسکری در میرام شاه در عین زمان ۷۰۰ نفر از ضد انقلابیون
فن آدمکشی را می آموزند.



بیش از ۹۰ مرکز و محل تربیه ضد انقلابیون در قلمرو پاکستان فعالیت مینمایند... این سلاح‌های مرگبار بر ضد کی متوجه شدند؟ باندیتها از زود خوردهای مستقیم با اردوی منظم کناره جسته، ضربات پلید خود را بالای غیرنظامی وارد می آورند.





اردوگاه ضد انقلابیون کستک در ناحیه شهر دروش (در بالا)
اردوگاه گرم چشمه ناحیه چترال (در پائین)





اجیرانی از فرانسه، جمهوری فدرال آلمان، انگلستان، ایالات متحده امریکا و سایر کشورهای غربی که در قتل و کشتارها در ماجراهای استعماری ورزیده اند، مهمانان دلپسند در پاکستان میباشند.

در بالا: متخصص امریکایی با تفنگ در دست. در پایین مرمی از انگلستان (شخص اول از چپ)





مبارزی نامنهاد راه دین،
متخصص ترور و آدم کشی
مین ساخت چین را در یکی
از راه های دهاتی ج. د. ا
میگذارد





بعد از چند ثانیه موترها طعمه آتش خواهند گردید، قربانی‌های جدید بوجود خواهد آمد و صدها نفر از اهالی غیرنظامی از مواد خوراکی و امتعه ضرورت اولیه محروم خواهند شد.





چنین است عواقب "شهامت" نوبتی مجاهدین.



آیا دست‌ها "پاك" باقی ماندند؟

ضرورت توضیح انگیزه‌های که اداره ضیاءالحق را به این راه غیرصادقانه و ادار ساخته است، وجود ندارد. در اینجا وابستگی مالی و اقتصادی نظامی و سیاسی آن از ایالات متحده امریکا، محاسبه بدست آوردن "كمك" بزرگ نظامی - اقتصادی امریکا منحصبت دست مزد مشی ضد افغانی، عظمت طلبی‌های منطوقی که اسلام‌آباد تصمیم دارد به كمك و اشنگتن آنها را تحقق بخشد و بالاخره تنفر طبقاتی ارتجاع پاکستان در برابر انقلاب ما یعنی تنفیری که با دشواری‌های ررژیم ضیاءالحق مستقیماً متناسب می باشند نقش خود را ایفاء نموده اند.

اسلام‌آباد بدین ترتیب نقش مجری عمدهٔ پلان خطرناك "شريك بزرگتر" خود را بعهدده گرفته ولی یک شرط گذاشته است و آن اینکه این نقش افشا نه شود. و اشنگتن هم موافقه کرده و کیسی آمر اداره مرکزی استخبارات ایالات متحده امریکا در همان مرحلهٔ آغاز جنگ اعلام ناشده اظهار داشت "ما تصمیم داریم، کاری بکنیم که دست‌های ضیاءالحق پاك باقی بمانند". مجله "تایم" ضمن نقل این اظهارات آمر "ادارهٔ اعمال کثیف" امریکا در شماره ۲۲ جوزای سال ۱۳۶۳ آنرا با گزارشی که در مطبوعات جهان چندان جلب توجه نکرد، مقایسه نمود و در ماه ثور سال ۱۳۶۳ "مجلس نمایندگان ایالات متحده امریکا طرح قانونی را تصویب کرد، که بر اساس آن در جمله پنج کشور، پاکستان به کشوری مبدل میگردد که در آن بیش از شش مشاور امریکایی مستقر میگردد.

"بدین ترتیب تجاوز ضدافغانی که از قلمرو پاکستان با شرکت مستقیم حکومت آن عملی میشود، در واشنگتن در سطح رسمی قرار گرفته ولی دست‌های رژیم ضیا الحق را "پاک" نتوانست نگهدارد و همچنان در این اواخر از این ناحیه چندان نگرانی هم ندارد.

"مهاجرین" نه، بلکه عساکر اجیر

واقعاً هم آیا میتوان این مطلب را پنهان کرد که مقامات پاکستانی صرف در برابر به اصطلاح "مهاجرین افغانی"، "مهمان‌نوازی" به خرج نداده بلکه هر افغانی را که در قلمرو پاکستان وارد میشود و قادر به حمل سلاح باشد به وسیله تجاوز علیه کشور خودش مبدل کرده اند، زیرا در واقعیت امر صرف بخش ناچیزی از "مهاجرین" ضد انقلابیون آگاهانه اند. این اشخاص یعنی زمینداران با نمایندگان اقشار با امتیاز هستند. سرنوشت توده های اساسی "مهاجرین" یعنی دهقانان و کوچیان بی سواد و وابسته به مالکان اسبق شان نهایت غم انگیز است. بعضی‌ها را با فریب و برخی را هم با تهدید مجبور به ترك میهن نموده اند. علاوه‌آ‌ده‌ها و حتی صدها هزار افغانانی که طور عنعنوی حتی در زمان ژیم دارد به منظور کار به پاکستان رفته بودند عملاً در آنجا به دام افتادند. در میان "مهاجرین" کسانی هم هستند که تاحال در حالت خوف دوره اختناق امین خاین حیات بسر می‌برند.

بر اساس حکایت آنانی که به فرار از اردوگاه‌های مهاجرین در پاکستان موفق گردیده اند، اکنون اکثر باشندگان این اردوگاه در آرزوی برگشت بوطن می‌باشند. ولی مقامات پاکستانی برای این برگشت صرف يك راه را باز گذاشته اند: از طریق راه های مخفی کوهستانی، سلاح بدست، سلاحی که باید برضد مردم و کشور خود بکار برند. آنانی که می‌خواهند شریفانه به خانه‌های شان برگردند، با مجازات شدید مقامات پاکستانی روبرو می‌شوند. اکثراً قوای سرحدی پاکستان بالای کسانی که به وطن خود برمی‌گردند آتش باز میکند.

در ماه‌های قوس الی دلو سال ۱۳۶۲ همچو حوادث زیاد اتفاق افتاد.

کسانی که از این زد و خوردها جان به سلامت بردند، بازداشت گردیده به اردوگاه‌های سابق شان اعزام گردیدند. در اردوگاه‌ها مقامات پاکستانی شبکه جاسوسی را ایجاد کرده و توسط آن کسانی را که تصمیم برگشت به میهن دارند، کشف میکند. همچو اشخاص را فوراً از سایر مهاجرین جدا نموده به زندان‌های انفرادی اعزام میدارند و افراد نسبتاً فعالتر آنها را نابود می‌سازند.

در اردوگاه‌های مهاجرین افغانی واقع در نزدیکی پشاور در ماه عقرب شورش وسیع برپا گردید. دلیل آن اعمال خود سرانه رژیم نظامی پاکستان بود که به افغانان اجازه برگشت به افغانستان را نمیدادند. نیروهای مسلح پاکستانی آنها را محاصره نموده و بزور به اردوگاه‌هایشان برگردانیدند. حین پراگنده ساختن مظاره چپان از گاز اشک آور استفاده بعمل آمده و چند تن افغان کشته یا زخمی گردیدند.

رژیم ضیاءالحق در عین حال بر "مهاجرین" افغانی به منظور کشانیدن تعداد زیاد آنها به گروه‌های ضدانقلابی فشار بیشتر وارد می‌آورد. در اردوگاه‌های "مهاجرین" منظم‌اً فلم‌هایی که توسط دستگاه جاسوسی پاکستان تهیه میشوند و گویا از وحشیگری‌ها در افغانستان حکایت مینمایند، نمایش داده میشود. از طریق نمایشات همچو فلم‌ها و پخش برنامه‌های مشابه و هکذا با شیوه‌های دیگر تلاش صورت میگردد تا به افغان‌ها این عقیده را تلقین کنند که گویا برای "مسلمان صادق" یگانه راه برگشت به وطن، برگشت سلاح در دست است. در مناطق سکونت مهاجرین دائماً اوراق و پوسترها با پیام پیوستن به "صفوف مقاومت" آویخته می‌شوند.

مقامات پاکستانی از دستگیری اشخاص از طریق زور بد نمی‌برند. در ماه قوس سال ۱۳۶۲ باند دشمنان برای مدت کوتاهی گمرک

سرحدی را در دره خیبر اشغال نمودند. سی و هفت نفر کارمند افغانی تحت سرنیزه به پاکستان برده شدند و در آنجا تلاش صورت گرفت تا آنها را جبراً به جنگ علیه مردم شان بفرستند. بر اساس گزارش رویتر از پشاور فقط چهارماه بعد در نتیجه احتجاجات مکرر به مقامات پاکستانی از جمله سی و هفت تن، بیست و هشت نفر کارمند افغانی را که در ماه دسمبر سال ۱۹۸۳ گرفته بودند اجازه عودت به وطن دادند.

طی سال جاری، انتخاب "عساکر اجیر" برای باندها در اردوگاه‌های ازق خیل - جالوزی، تخال، هرپیور، باربری، موند، علی زی، جمروود، وارسک، باراوال، باندای و غیره صورت گرفت. آنها را نه تنها به زور و تهدید بلکه با وعده‌های نجات از فقر که دامنگیر اکثر "مهاجرین" می‌باشد در باندها تنظیم مینمایند. محمد اسماعیل از چراق به ژورنالیستان چنین گفت:

«زمیندار محلی دوازده تن اهالی قریه ما را بشمول خودم نزد حکمتیار برای تربیه نظامی فرستاد. یکتن از معاونین او انجنیر عصمت ما را پذیرفت. ما را در خیمه جا دادند و با جیره حیات بسر می بردیم. در اردوگاه‌های مجاور وضع مهاجرین از این هم بدتر بود. مردم از مرض و کمبود خوراکه میمردند. مبلغین حکمتیار این انسانهای مایوس را که حاضر به هر کاری هستند انتخاب نموده و به آنها کمی پول می دادند و متعاقباً برای فراگیری درس نظامی نزد مربیون امریکایی، پاکستانی و مصری اعزام می نمودند. به ما تلقین مینمودند که در افغانستان مذهب در خطر است و باید آنرا نجات دهیم. می گفتند که وطن ما را اردوی شوروی اشغال نموده است و باید بخاطر استقلال آن مبارزه کرد. برای ما به آتش کشیدن و منفجر ساختن منازل و پل‌ها، کشتار و به دارکشیدن انسانها را آموختند.

آنگاه من درك كردم كه اين كارها به اسلام هيچ وجه مشترك ندارند. با يك گروه شصت نفری تصميم برگشت به وطن را گرفتيم ما از اردوگاه فرار نموديم ولی سربازان پاكستانی ما را در منطقه سرحدی نزدیکی چمن توقيف نمودند. از آنجایی كه مردان همه مسلح بودند، آنها ما را دشمن فكر كرد. اجازه دادند و زنان و اطفال را گروگان گرفتند. همین كه به افغانستان رسیدیم من و رفقایم به مقامات حكومتی خود را تسليم نمودیم...»

در همان وقت در اواخر سال ۱۳۶۱ دو تن از دشمنان سابق، عبدالغفور و نصرالله كه خود را به حكومت افغانستان تسليم کرده بودند به ژورنالیستان حكایت نمودند، برای هر عمل تروریستی يك نرخ به خصوص تعیین شده است و با كشتن سرباز اردوی افغانستان از پنج الی هفت هزار افغانی، به خاطر به قتل رسانیدن فعالین حزبی یا كارمندان دولتی ده الی پانزده هزار افغانی تادیه می شود، قتل افسر افغانی سی هزار افغانی و منفجر ساختن تانك صد هزار افغانی قیمت داشت.

باید متذكر شد كه چقدر غیر انسانی و دور از اخلاق میباشد كه دهقان بیچاره و شریف به قاتل اجیر و تروریست مبدل گردد. امتیازاتی كه به آنها وعده داده شده بوده و در اختیار آنها قرار داده میشود ضد انسانی است. منجمله خدمات صحی را نام برده می توانیم. مهاجرینی كه آرزوی شمول را در باندها ندارد از این خدمات مستفید شده نمی توانند و اگر مریض شود، باید بمیرد. ولی برای دشمنان موضوع كاملاً طور دیگر است! يك واقعیت بیسابقه، مقامات پاكستانی در ماه اکتوبر سال ۱۹۸۴ فیصله نمودند كه بمنظور متحد ساختن مهاجرین افغانی در باندهای ضدانقلابی، منبع شفاخانه‌های مهاجرین واقع در كویته صرف در خدمت اعضای سازمان‌های ضد

انقلابی قرار داده شوند. در منطقه سرحدی شمال غربی و در ایالت بلوچستان برای باندیت‌های افغانی دوصد شفاخانه و کلینیک سیار و بیش از ده اداره خدمات طبی با پرسونل دوهزار نفری فعالیت مینمایند. در چارچوب نیروهای مسلح پاکستان شعبه خاص کمک‌های طبی برای ضد انقلابیون افغانی تحت ریاست دگروال رحمان ایجاد گردیده است. ولی موضع طبابت صرف یک پرده اختفا است. مؤسسه "پاکستان مدیکل انترنیشنل" واقع در کراچی ضد انقلابیون افغانی را با ادویه نه بلکه با سلاح و مهمات مجهز می‌سازد. م. س. بوی خان آمر این موسسه با سی. آی. ای، شبکه جاسوسی جمهوری فدرالی آلمان - سویس و کانادا رابطه نزدیک داشته و چهار مرکز توزیع سلاح را که از بندر کراچی بوی می‌رسد، ایجاد نموده است.

از طریق چاینل های مخفی

از طریق قلمرو پاکستان تمام تسلیم‌دهی اسلحه و مهمات و سایر لوازم نظامی برای صدور ضد انقلاب به افغانستان و همچنان تجهیز آنها با تمام وسایل مادی تخنیکی عملی می‌گردد.

این کار از فروش سلاح توسط خود مقامات پاکستانی برای باندهای ضد انقلابی آغاز می‌شود. در سال ۱۳۶۰ غلام اسحاق خان وزیر مالیه پاکستان برید جنرال سیدعلی نواب آمر تولیدات نظام، رخ بیک منشی وزارت مالیه پاکستان با یوسف ال بکر نماینده "جبهه ملی اسلامی افغانستان" ملاقات نموده و مسأله فروش تسلیحات ساخت پاکستان را برای ضد انقلابیون افغانی مطرح بحث قرار دادند. چندی بعد از آن تفنگ های اتومات جی - ۲ ساخت پاکستان بدسترس باندهای ضدانقلاب قرار گرفت. همچنان بعضی سلاح های ساخت امریکا که از طریق کمکهای نظامی - اقتصاد ایالات متحده امریکا به پاکستان تحویل داده شده است نیز در اختیار باندیتها قرار گرفتند.

ولی با آنهم اصل موضوع طوری دیگرست. رژیم ضیاءالحق چاینل‌های تسلیح باندهای ضد انقلابی را با سلاحها و تخنیک جنگی معاصر، جهت صدور به کشور ما تأمین کرده است. شواهد زیادی منجمله از مطبوعات غرب و بورژوازی امریکا در این مورد وجود دارند که آنها شرکت رژیم نظامی پاکستان متحد واشنگتن را در تجاوز امپریالیست علیه افغانستان بزرگ نشان نداده، بلکه آنرا کوچک جلوه می دهند، ولی واقعیتها را نمی توان پنهان کرد، آنچه پنهان است ناگزیر آشکار می شود.

مجله امریکایی "تایم" نوشته است: «تقریباً بعد از هر چند روز

منظماً از طریق راه‌های مخفی ماین‌ها، راکت‌اندازها، ماشیندارهای ثقیل و خفیف، تفنگ‌های دوربین‌دار و امثال آن به شورشیان در افغانستان انتقال داده می‌شوند. طبق گزارش همین مجله، این سلاح از تحویل خانه‌های اردوی امریکا در ایالات متحده و اروپای غربی تحویل گرفته می‌شود. نشان فابریکه آن از بین برده می‌شود مسوولیت انتقال آنرا سازمان سی. آی. ای تا بنادر پاکستان به عهده دارد. در آنجا هیچ کس این اموال مرگبار را متوقف نمی‌سازد.

"تایم" می‌نویسد: بر اساس قرارداد موجود در بنادر پاکستان اموالی که به اصطلاح برای "فراریان افغانی" اختصاص دارند از هرگونه کنترل گمرکی معاف می‌باشند.

شاهراه ستراتیژیکی قره قرم که از کوه‌های همالیه می‌گذرد، وسیعاً جهت انتقال سلاح از جمهوری مردم چین به باندهای دشمن نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد.

مجله "موند دیپلوماتیک" چاپ پاریس در مورد دورنمای این سلاح گزارش می‌دهد. در شماره ماه میزان سال ۱۳۶۳ این مجله نوشته شده است: «اردوی پاکستان وظیفه تسلیم‌گیری و انتقال سلاح را برای مبارزین مقاومت افغانی بعهده گرفته است این سلاح‌ها از چین فرستاده می‌شود و توسط ایالات متحده امریکا تمویل می‌گردد. این امر به اردوی پاکستان امکان آنرا میسر می‌سازد که نخست از همه برای خود تسلیحات لازم را قبضه نماید و بعداً تصمیم اتخاذ کند که چه مقدار سلاح و کدام نوع آنرا در نوبه اول به ضد انقلاب ارسال نماید. نسبت خود سری‌های موجود در این ساحه در میان اردوی پاکستان و صفوف مخالفان افغانی فساد برپا می‌شود.»

خدمات ملی لوژستیکی پاکستان - با واگذاری وسایل ترانسپورت -

در انتقال اموال نظامی به باندهای مسلح ضد انقلاب افغانی نقش فعال را در زمینه ایفا می نمایند. آنها این کار را آشکارا انجام می دهند. به تاریخ دوم قوس ۱۳۶۲ در جلسه نمایندگان خدمات ترانسپورتی وزارت امور داخله و کمیساری امور فراریان در مورد جلب خدمات ملی لوژیستیکی پاکستان جهت ثبت تسلیم گیری، نگهداری و انتقال اموال برای شورشیان فیصله بعمل آمد.

کار به جایی کشیده شد که در پاکستان به منظور تأمین انتقالات سلاح و وسایل مادی تخنیکی برای باندهای ضدافغانی سرکها و راه های خاص اعمار می شود. از ماه سنبله سال ۱۳۶۲ کار اعمار راهها به سوی منطقه سرحدی اوچا دره آغاز گردیده است. سرکها را به جا بگذاریم! نیروهای مسلح پاکستان در اعمار تأسیسات مختلف برای نیازمندیهای ضد انقلاب افغانی سهم می گیرند. در ماه سنبله سال جاری ساختمان مجتمع نوبتی عمارات برای گروه ضد انقلابی مولوی یونس خالص در منطقه هشت کیلوتری سرک جمروود پایان یافت. این کار توسط فرقه یازده نیروهای مسلح پاکستان انجام شده است. میدانهای هوایی نظامی در حال اعمار بوده و در منطقه بانو ساختمان میدان هوایی در جریان میباشد که برای تنظیم تسلیمدهی سلاح و وسایل نظامی منجمله سلاح کیمیای به باندهای ضدانقلابی افغانی که در داخل قلمرو ج. د. ا فعالیت مینمایند در نظر گرفته شده است.

به تاریخ پانزده حمل سال ۱۳۶۳ نیروی هوایی ایالات متحده امریکا تقریباً (چهار هزار) بمبدهستی کیمیای را توسط پرواز مخصوص به پشاور منتقل کرده و در بین نمایندگان احزاب اسلامی، عضو به اصطلاح "وحدت هفتگانه" به منظور استفاده در فعالیتهای جنگی در قلمرو کشور ما توزیع گردید.

مقامات پاکستانی ماموریت انتقال سلاح و مهمات را برای شورشیان افغانی الی سرحد که در آنجا کاروان‌ها جهت ارسال به افغانستان تشکیل میشوند به عهده گرفته است. اینکار منجمله از طریق ایران نیز صورت میگیرد.

در اوایل ماه جوزای ۱۳۶۳ هشت لاری سلاح و مهمات از پاکستان به شهر زاهدان ایران انتقال داده شد. این تسلیحات در اوایل ماه جوزا از طریق پایگاه جالی روبات در سرحد افغانستان و ایران به باندهای به اصطلاح حزب اسلامی افغانستان واقع در قلمروج. د. ا فرستاده شد.

در مناطق شمال غربی افغانستان دایماً از پاکستان از طریق ایران سلاح به ضد انقلاب تسلیم داده میشود. در ماه جدی ۱۳۶۲ دو لاری سلاح و مهمات در منطقه پشتون زرغون به باندهای جمعیت اسلامی افغانستان ارسال شد و در بین این سلاح‌ها یکصد ماشیندار، پنج ماشیندار ثقیل (داشکه) و چندمیل‌هاوان قرار داشت.

در ماه اپریل در پاکستان جلسه سرکردگان "جمعیت اسلامی افغانستان" که افراد آنها در ولایت هرات، فراه و بادغیس جابجا گردیده اند، تشکیل گردید. مقامات پاکستانی برای آنها پنجاه عراده موتر با ماشیندار و مهمات تسلیم دادند، بر علاوه در منطقه چمن ذخیره سلاحهای گروپ دیگر ضد افغانی جابجا گردید. در بین این سلاح‌ها علاوه بر ماین‌های ضدتانک و هاوان، راکت‌های "زمین به هوا" نیز موجود میباشد. همه این سلاح‌ها برای شورشیان ولایت فراه آماده گردیده بود. علاوه گروه‌های حزب اسلامی افغانستان قیل از ورود به افغانستان سلاح را در ذخیره گاه واقع در محل تره منکل (منطقه پاره چنار) در نزدیکی سرحد افغانستان بدست می آوردند. محافظین سرحدی پاکستان باندها را بدون کدام صنعت به قلمرو

افغانستان اجازه می دهند. علاوهً مشاورین پاکستانی با دشمنان در پیشبرد فعالیت‌های جنگ در ج. د. ا عملاً مساعدت نموده، کارشناسان پاکستانی منجمله در ماین گذاری سرک‌های ولایت پکتیا شرکت ورزیده اند.

اینک صرف از چند نقطه مسکونی که مقامات پاکستانی در آنجا ذخیره گاه‌های اسلحه و مهمات را برای دشمنان ایجاد نموده اند نام می بریم: تار - کوداخیل - پشاور، پاره چنار (در اینجا چهار ذخیره گاه اسلحه موجود است) ماتانی، سادا، خانگو، کاکا میله، موسی اتیکا، میرام شاه، ماشا، وانا، چمن. علاوهً برای دشمنان ذخیره‌گاه‌های مواد خوراکی در شهرها و دهات ذیل پاکستان ایجاد شده است: چترال دروش (چهار ذخیره گاه)، دیر مردان (دو ذخیره‌گاه)، کوهات (شش) علیزی (دو)، بانو (سه)، میرام شاه (هشت)، وانا (چهار)، تانک (سه)، ژوب، چمن (دو)، پیشین، کویته (سه) دوکی، شیخ راسیل، سی بی، نوشکی، دال باندین.

بر بنیاد مسلکی

واقعیت‌های فوق بیانگر آنند، که مقامات پاکستانی طبق اعتماد و اشنگتن اعضای باندهای ضدانقلابی را استخدام در جنگ اعلام‌ناشد، علیه افغانستان می فرستد. انتقال سلاح و مهمات را برای آنها تأمین کرده و برایشان مواد خوراکی را تدارک مینمایند. اما "ماموریت" اصلی رژیم پاکستان سازماندهی تربیه نظامی و پرورش ایدیالوژیکی دشمنان میباشد. این کار پیچیده و مغلق است، به خصوص اگر ما سطح پایین دانش "عساکر اجیر" را که جبراً یا تحت تهدید گرسنگی استخدام می شوند در نظر بگیریم. در چنین شرایطی در برابر مقامات پاکستانی وظایفی قرار میگیرد که متقابلاً با هم ارتباط دارند. آنها به افغان‌های عضو باندها تنفر در برابر حکومت مردمی و انقلاب ثور را تلقین مینمایند، استفاده از تخنیک جنگی معاصر را به آنها می آموزند، آنها را با دسپلین نظامی یعنی تابعیت مطلق از اوامر خشونت بار و غیرانسانی سران باندها و قوماندانان جزو تام‌های پاکستانی آموزش میدهند، از میان آنها افراد را برای انجام وظایف "افسری" انتخاب مینمایند. تحت قومانده آنها گروه‌های باندیت‌ها را با شیوه‌ها و تاکتیک‌های پیشبرد جنگ و همچنان فعالیت‌های تخریبی - تروریستی آشنا می سازند. و بلاخره برای آنها گذشتن از سرحد افغانستان - پاکستان را یکجا با سلاح و مهمات تأمین مینمایند.

طبیعیست که در اشنگتن سازماندهندگان جنگ اعلام نشده علیه میهن ما این مطلب را به خوبی درک مینمایند که پاکستان قادر نیست باوجود کمک‌های مالی زیاد امریکا و متحدین آن چون عربستان سعودی این مسایل را به تنهایی حل نماید. برای اینکه اینکار متخصصین ساحات مختلف نظامی از انجنیر الکترونیک گرفته تا

کارشناس ماین گذاری و حتی ماستر کراته هم ضرورت میباشند. برای همچو "مربیون" دروازه های پاکستان وسیعاً باز بوده و به مقامات پاکستانی دستور داده شده است تا در برابر پاسپورت های سابقه داران جنگ ویتنام "متخصصین چینیایی، اجیران فرانسوی، جمهوری فدرالی آلمان و سایر کشورهای غربی که اکثراً جعلی می باشند فوق العاده محترمانه برخورد نمایند".

"مربیون" و "پیداگوپهای" دارای مسلک ها و ملیتهای مختلف بلادرنگ به مراکز تربیه نظامی دشمنان که شبکه های آن چه در اردوگاه های مهاجرین و چه در خارج از آن عملاً در تمام طول سرحد پاکستان افغانستان وجود دارد، اعزام می شوند. تنظیم این مراکز ترتیب "جریان درس" تأمین آنها با مواد لازم، تهیه قاغوش ها برای "محصلان" و اپارتمان ها برای "استادان" و بالاخره حفاظت این مراکز در زمره وظیفه مقامات نظامی پاکستان شامل است. باید خاطر نشان شود که خصلت نظامی تیم پاکستان با تأمین موثر و بلاانقطاع وظایف این شبکه و اگر دقیق تر گفته شود، حلقه مراکزدرسی، تربیوی که آنرا میتوان پایگاه مقدم تجاوز علیه جمهوری ما نامید کاملاً مطابقت دارد.

در حال حاضر در قلمرو پاکستان تقریباً یکصد مرکز تربیه نظامی دشمنان فعالیت مینمایند. در این مراکز و بعضاً هم در شعبات کوچک آنها تعلیمات فعالیت های تخریبی ماین گذاری استفاده از تخنیک موتوریزه زره دار و موترسیکل ها، وسایل ضد تانک، بکار انداختن مرمی های راکت، استفاده از سلاح کیمیاوی که بخصوص در خور توجه است، سازمان داده میشوند. تعلیمات فعالیت های تخریبی در شعبات واقع در دیر، باروا، فقیر آباد، دارمانگی اتوک، ماشوخیل و پاره چنار با استفاده از وسایل ضدتانک و دافع هوا در تانگی، توره

تیره، ورسک، کونداکالای با استفاده از سلاح کیمیای در نوشکی و غیره صورت می گیرند. به منظور رهبری دقیق و درست باندها در داخل قلمرو ج. د. ا در چارچوب بعضی مراکز کورس‌های تربیه قوماندانان دشمنان ایجاد گردیده است.

مدت تعلیم آنها با در نظر داشت شکل درس از ۲ - ۳ هفته تا ۶ ماه و بیشتر از آن ادامه مییابد. مدت تعلیم "محصلان" نیز متفاوت میاشد. مراکز نسبتاً بزرگ که در آنجا بیشتر از ششصد نفر تربیه میشوند در پشاور، پاره چنار، دیر، میرام شاه، کویته، چمن، چترال، کوهات و سایر مناطق واقع میباشند. در اطراف پشاور شمار آنها به خصوص زیاد است. طور مثال در کلکته (اطراف پشاور) یکصد و پنجاه نفر ضد انقلابی طرز استفاده از راکت‌ها و ماشیندارهای ثقیل دافع‌هوا را فرا میگیرند. در منطقه فقیرآباد همزمان هشت گروه بیست نفری شیوه‌های فعالیت‌های تخریبی را می آموزند. در مرکز تربیه به اصطلاح "جنبش انقلاب اسلامی افغانستان" واقع در غرب پشاور، که باندیت‌ها آنرا "لوای بابو" می‌نامند تعداد زیاد ضدانقلابیون تعلیمات نظامی را فرا میگیرند. آنها تحت رهبری مربیون امریکایی، آلمانی (جمهوری فدرالی آلمان) و مصری طرز استفاده از هاوان، توپ‌های بی‌پسلگد، ماشیندارهای ثقیل دافع‌هوا و دیگر انواع سلاح‌ها را می آموزند. در تربیه شورشیان به شیوه استفاده از ماینها و سایر وسایل منفجره جهت تخریب‌کاری در پروژه‌های اقتصادی و راه‌های ترانسپوری اهمیت خاص داده می‌شود.

در جنوب پشاور به اصطلاح "لوای ارباب رود" که متعلق به "جنبش انقلاب اسلامی افغانستان" میباشند موقعیت دارد. در آنجا پیش از (پنجصد) افغان توسط استادان انگلیسی، فرانسوی، مصری

و پاکستانی مسلکهای مختلف نظامی تدریس میگردد.

مجموعاً در اطراف پشاور ۱۳ مرکز تربیه ضد انقلابیون افغانی موقعیت دارد که در آنها شورشیان تاکتیک فعالیت‌های جنگی را در شرایط افغانستان، فن انداخت از ماشیندارهای دافع هوا و توپ‌ها و انجام فعالیت‌های تخریبی - تروریستی را می‌آموزند.

سیستم چند مرحله‌ای

قابل یادآوریست که تمام این مراکز توسط کارمندان نظامی پاکستان با رعایت جدی مقررات اجازه نامه در ساحه آنها، کنترل می‌شوند. و اگر ماهیت این ادارات و وابستگی ملی ترکیب استادان در نظر گرفته شود این مطلب تعجب آور نیست، طور مثال در مرکز تعلیمی "جمعیت اسلامی افغانستان" واقع در بیست کیلومتری جنوب غرب پشاور مربیون امریکایی و فرانسوی تدریس مینمایند. در این جا به اصطلاح "لیسه حربی" یا "حربی پوهنتون" فعالیت می‌نماید، باندیت‌های عادی در "لیسه" شیوه‌های استفاده سلاح و انجام فعالیت‌های تخریبی - تروریستی را فرا میگیرند. در "حربی پوهنتون" سران گروه‌های ضد انقلابی و معلمان برای سایر مراکز تعلیمی شورشیان تربیه می‌شوند. در یکی از مراکز تعلیمی "حزب اسلامی افغانستان" از جمله دوازده تن مربیون امریکایی چهار نفر آن زن سیانشند. برای افشا نشدن این موضوع همه جانبه تلاش صورت میگیرد.

"کورسهای اكمال تخصص" خاص باندیت‌ها نیز وجود دارند. طور مثال از ماه سرطان ۱۳۶۲ الی سرطان ۱۳۶۳ چند گروه ضد انقلابی که موقتاً از افغانستان یا دقیقتر گفته شود از ولایت هرات آمده بودند در پاکستان تحت تربیه خاص قرار گرفتند. در میان آنها سرکردگان "جمعیت اسلای افغانستان" غلام سرور، انجنیر ضیاء، یحیی‌گرگ و محمد خان شامل بودند.

در اخیر سال ۱۳۶۲ در کویت کورسهای خاص افتتاح گردید: در آن جا صرف تروریست‌ها را نه بلکه جاسوسان تخریبکار حرفوی را تربیه مینمایند. دروس توسط اروپاییان، که خود را به کشورهای عربی منسوب مینمایند، پیشبرد میشود.

برای این کورس‌ها کسانی انتخاب می‌شوند که دانش لازم را داشته باشند؛ تعداد آنها چندان زیاد نیست، دو صد نفر شامل این کورس‌ها به گروه‌های چهارده، پانزده نفری تقسیم شده‌اند. در این جا جاسوسان طرز استخدام اجیران، شیوه‌های مکاتبه سری، ملاقات با اجنت و غیره را فرا میگیرند. در چهل کیلومتری کوئته ساختمان مرکز تعلیمی که در آنها بیست مشاور امریکایی تاکتیک‌ها و میتودهای جنگی مخفی و پارتیزانی را به افغان‌ها می‌آموزند، پایان یافته است. درس در آنجا شش ماه ادامه می‌یابد. کسانی که در این کورس‌ها لیاقت نشان دهند جهت ادامه تحصیل برای یکسال به ایالات متحده امریکا اعزام میشوند. منازلی که امریکاییان در آنها زندگی مینمایند توسط کارمندان نظامی پاکستان حفاظت و نگهداری می‌گردد.

همچو سیستم "چند مرحله‌ای" تربیه و تجدید تربیه نه تنها توسط امریکاییان، بلکه توسط پاکستانی‌ها نیز بکار برده میشود.

از ولایت غور افغانستان در جریان نیمه اول سال جاری ده گروپ ضد انقلابی که شمار آنها بیشتر از یک صد پنجاه نفر بود جهت آموزش مجدد نظامی به پاکستان اعزام گردیدند، در همین مدت بیش از چار صد و پنجاه نفر دشمن بعد از پایان آموزش نظامی در پشاور، کوئته و جمرود به این ولایت برگشتند. در میان آنها گروپ عبدالستار که دو سال را در پاکستان سپری نمود، گروپ عبدالنبی خان (یک و نیم سال در پاکستان بسر برده است) و گروپ مولوی موسی (از چهار ماه بدینسو در پاکستان قرار داشته) نسبتاً فعال می‌باشند.

ولی بعضاً تیرشان به خطا میرود، طور مثال در اوایل ماه میزان

۱۳۶۲ عبدالهادی ولد عبدالاحد خان عضو باند "حرکت اسلامی افغانستان" داوطلبانه به مقامات امنیتی کشور تسلیم شد. او حکایت نمود که در ماه میزان ۱۳۶۱ توسط ضدانقلابیون دستگیر گردیده و بعد از مدتی به پاکستان اعزام شد. تقریباً یکماه در یکی از اردوگاه‌ها در نزدیکی سرحد ج. د. ا زندگی میکرد. این اردوگاه توسط ملیشه‌های پاکستانی حفاظت میگردد، عبدالهادی از این اردوگاه جهت آموزش به مرکز نظام "لایس" واقع در دوازده کیلومتری غرب پشاور به منطقه جامرود فرستاده شد.

رهبری این مرکز تعلیمی را که شورشیان افغانی آنرا "لوا" مینامند، سیدنی از ولایت لوگر افغانستان به عهده دارد. در اینجا ضدانقلابیون طرز استفاده از سلاح‌های مختلف و ماین‌ها را فرا می‌گیرند. با شیوه‌های ساختمان کمین‌ها و حمله بر جزوتم‌های کوچک و قطارها آشنایی پیدا مینمایند. بعد از آموزش سه ماهه "محصلان" که از خود لیاقت و تبارز نشان دهند به مرکز تعلیمی واقع در منطقه شهر پاره چنار اعزام می‌شوند. در آنجا باندیتها تاکتیک پیشبرد "جنگ پارتیزانی" را آموخته، شیوه‌های فعالیت‌های تخریبی و رهبری گروه‌های دشمن را فرا میگیرند. بخشی از ضد انقلابیون در ساحه عملی ساختن فعالیت‌های خرابکارانه و تروریستی و کار تبلیغاتی تخصص میگیرند. در پایان آموزش برای آنها تصدیق، یا بعبارة دیگر "دیپلوم تروریست مجرب" داده میشود. اکثر آنها به حیث "قوماندانان" یا معاونین قوماندانان تعیین میشوند.

در ماه سنبله ۱۳۶۲ عبد الهادی در ترکیب گروهی ظابط متین به ولایت لوگر اعزام شد. چند روز بعد از آنکه آنها از اهداف باندها مایوس گردید به کابل فرار نموده به مقامات حکومت تسلیم شد.

دشمنان را تنها در صنوف و پولیگونه‌ها تعلیم نمی‌دهند. اخیراً باندها

در چندین مانور نظامی جزواتمهای سرحدی نیروهای مسلح پاکستان شرکت ورزیده و همچنان در اردوی پاکستان آموزش اضافی کسب مینمایند.

طور مثال، در آغاز سال جاری در منطقه جامرود در ساحه میدان هوایی نظامی پاکستان آموزش دوصد و پنجاه دشمن مربوط گروه‌های مختلف ضد انقلابی پایان یافت. آنها در آنجا کورس عملی استفاده از تخنیک زرهی و راندن موترسیکل را به پایان رسانیده و هم چنان تخنیک تانک و راندن موترسیکل با پرتاب بمب دستی را تمرین نمودند. در منطقه مردان در مرکز تعلیمی پراشوت و کماندوی نیروهای مسلح پاکستان دو صد نفر باندیت به اصطلاح جمعیت اسلامی افغانستان تحت تربیه مربیون مصری طرز انداخت از توپ بی پسلگد، هاوان و دافع هوا را فرا میگیرند، قوماندانی قوای سرحدی پاکستان در تربیه نظامی دشمنان زیاد کمک میکند. در مرکز تعلیمی این قوا گروه‌های شورشیان استفاده از تخنیک دافع هوارا فرا میگیرند. ضد انقلابیون افغانی در مانورهای نیروهای سرحدی در مناطق سرحدی خیبر، موند و کرم پاکستان نیز شرکت ورزیده اند. نقش اردوی پاکستان در سال های ۱۳۵۹ - ۱۳۶۱ تأمینات عقب جبهه جنگ اعلام نشده علیه افغانستان را فراهم میکرد. در سال های ۱۳۶۲ - ۱۳۶۳ به دستور امریکا نقش تأمینات اسلحه و سازماندهی تربیه نظام باندها را بعهده گرفت، و اکنون هرچه بیشتر به شرکت کننده مستقیم تجاوز مبدل میگردد. این هم در ذات خود سیستم بخصوص چند مرحله ای است که مفکوره "توسعه جنگ" را که واشنگتن در سال های تجاوز علیه ویتنام در پیش گرفته بود، به خاطر می آورد.

مصیبت از کجا منشاء میگیرد؟

این حادثه به تاریخ ۲۷ قوس ۱۳۶۲ در ناحیه مرکزی سرحدی تورخم که در ولایت ننگرهار موقعیت دارد اتفاق افتاد. جریان کار عادی سرحدی و کارمندان گمرک توسط انفجارات مرمی‌های نیروهای توپچی و صغیرهای هاوان‌ها قطع گردید. در فاصله چند دقیقه، بسیاری از خانه‌های سکنه ملکی به توده‌های خاک میدل شدند. قوماندده‌های افسران سرحدی که میخواستند دفاع را سازمان دهند با فریادهای زخمیان درآمیخت. ستون ضخیم دود زهرآلود حریق بالای قریه‌ها بلند گردید.

قطعات سرحدی پاکستانی دوشادوش دشمنان ناجوان‌مردانه به تورخم حمله نمودند. این توطئه خونین را سرویس‌های خدمات جاسوسی پاکستانی سازمان داده و آنرا رهبری مینمودند.

يك و نیم سال قبل از این واقعه طاهر و رحیم کارکنان نظامی پاکستان که توسط دو نفر ضد انقلاب و یکنفر راهنما همراهی می‌شدند در ناحیه پیرسرای طور مخفیانه به قلمرو جمهوری دموکراتیک افغانستان نفوذ نمودند. حین انجام دادن وظایف تخریب کارانه و جاسوسی یکی از پاکستانی‌ها از اثر انفجار ماین کشته شده و "مهمانان" دیگر با عجله عقب نشینی نمودند. آنها به تاریخ بیست سرطان ۱۳۶۱ در پشاور به روسای خویش جسد همکار بی مسولیت خویش را به صفت "مدرك انکارناپذیر" در افغانستان ارائه داشتند.

مداخله نظامی پلان شده

اولین اطلاعات در مورد اینکه دسته‌های اجیران خارجی آماده عمل علیه انقلاب ثور میگردند چهار سال قبل در مطبوعات غرب به نشر رسید. مطلب برسر جلادان انگلیسی و امریکایی بود که خاصاً برای انجام دادن اعمال تروریستی تربیه میگردیدند. بار اول نبود که "سگان جنگی" قسمی که قاتلان اجیر منفور را بدین نام مینامند، برای اجرای چنین امر کثیف مجهز شده بودند.

ارتجاع بین المللی که در بدل خدمات اجیران پول می پردازد، چندین بار زنجیرهای گردن آنان را باز نموده و در نقاط مختلف جهان و بر علیه جنبش های ملی - رهایی بخش گماشته اند. چهار سال قبل مطبوعات غربی راپورتاژها در مورد این افراد را که به طرف سرحدات افغانستان در حرکت بودند، با عناوین پرسروصدا نشر نمودند. با تمام نیرو سعی بعمل می آمد تا این حرفی‌های کثیف را در مبارزات وسیع با "خطر کمونیستی" به زور جا دهند.

هیاهوی دیروزین، اگر امروز هم در صفحات روزنامه ها مشاهده شود به مثابه خبر عادی وجود دارد. امروز تمام جهان خوب میداند که در جنگ اعلام ناشده علیه جمهوری دموکراتیک افغانستان بر علاوه باندهای اشرار "اوباشان" از ملیت‌های گوناگون که توسط سی آی ای اجیر میشوند، سهم مستقیم دارند. این اتباع که پاسپورت‌های ایالات متحده امریکا، برتانیه کبیر، فرانسه، ایران، عربستان سعودی و غیره را دارند و بنابر ماهیت اعمال شان تمام آنها جانیانی میباشند که صریحاً از موازین حقوق بین المللی و قوانین ج. د. ا تخلف می‌ورزند. نفوذ غیر قانونی آنها به قلمرو کشور مستقل در ذات خود ثبوت انکار ناپذیر مداخله آنها در امور داخلی کشور ما

میباشد که توسط دول امپریالیست و ارتجاع منطقه تصویب میگردند.

ثبوت انکارناپذیر در دست است که موافق به آن، پاکستان نخستین کشور بود که چنین مداخله صریح را به موافقه و اشاره ایالات متحده امریکا آغاز نمود. مطلب تنها بر سر این نیست که پاکستان با رضایت خاطر قلمرو خود را برای جابجاسازی قرارگاه‌ها و پایگاه‌های ضد انقلاب گذاشته و به تخته‌اساسی خیز تجاوز بر علیه جمهوری دموکراتیک افغانستان مبدل گردانیده است. در اینجا يك چیز دیگر با تمام وضاحت آن به اثبات رسیده است، حکومت نظامی جنرال ضیاالحق در تلاشها برای مداخله مستقیم مسلحانه برضد انقلاب ملی و دموکراتیک ما مقصر است.

در اسلام‌آباد بزودی بعد از پخش اطلاعات سرنگونی حکومت ضد مردمی داوود در کابل، سررشته ساختن پلان‌های هجوم به افغانستان را بدست گرفتند. مجله "افریقا - آسیا" منتشره پاریس در فیبروری ۱۹۸۰ مقاله ایرا بدست نشر سپرد که در آن برخی از توضیحات در باره مانورهای ضد افغانی دیکتاتور آن نظامی به نشر رسید که مقاله مذکور را "پاکستان دسیسه ضیاء" نامیده بودند.

رئیس جمهور پاکستان مبتکر سازماندهی جلسه سرکردگان گروهای ضد انقلاب بود که در لاهور و پشاور دایر گردیده و ضمن آن ستراتیژی نخستین ضربات آنسوی "مرز" بر دستاوردهای انقلاب طرح و تدارک دیده شد. به اساس دستور وی بود که در اختیار رهبران ضدانقلاب هلیکوپترهای نظامی گذاشته شد، این هلیکوپترها در امتداد سرحد پروازهای اکتشافی را انجام دادند که در جریان آن معبرهای دخول به قلمرو کشور ما تثبیت گردید. خود دیکتاتور "برای بسیج سیاسی توده‌ها" به ولایات سرحدی سفر کرده

که در آن ولایات بیانیه های جنگجویانه ایراد کرد و قبایل کوچی را تحریک مینمود تا "علیه کافران" دست اندر کار شوند.

شورای نظامی پاکستان از این هم بیشتر موقف خصمانه تر را اختیار نمود. برخی از اعضای آن پیشنهاد مینمودند تا بلافاصله بر کشور همسایه هجوم برده و در آنجا با توسل به زور "قانونیت اسلامی" را مسلط سازند.

در همان وقت د. ریگن و ره لیسارت اجنتهای سی آی ای در اسلامآباد با رادهور و علم روسای اداره جاسوسی پاکستان در مورد اقدامات مشترک بر علیه افغانستان به موافقه رسیدند. ملاقات کننده بعدی امریکایی وزیر اطلاعات و رادیوی ایالات متحده امریکا بود که با موصوف در پاکستان برنامه تبلیغی با خصلت تخریبکارانه به منظور سرنگونی حکومت انقلابی در کابل مورد ارزیابی قرار داده شد. رهبری عملیات روانی پیرامون شستشوی مغزها به جنرال رحمان خان که تخصص ساحات تخریبات ایدیالوژیکی محسوب گردیده و از اداره مرکزی جاسوسی دیپلم داشت سپرده شد. در پایین درین مورد بطور مفصل صحبت خواهیم نمود.

در حاشیه تذکر میثویم که رابرت لیسارت، همان شخصی است که کارمندان عالی رتبه ملکی و نظام اسلامآباد با آمادگی و احترام تمام مطیع اوامر موصوف بوده و خود را از مدت ها قبل به صفت دشمن بیبیک و خشن مردم ما به اثبات رسانیده است. او در سال ۱۳۵۳ به خاطر فعالیت مغایر با پست دیپلوماتیکش از افغانستان بیرون رانده شد. این شخص که زندگی خود را وقف خفه سازی جنبش های ملی و دموکراتیک نموده متحدین صادق برای خود در اسلامآباد پیدا نمود.

در بهار سال ۱۳۵۸ هزاران شورشی مانند مور و ملخ از طریق

معبرهای قبلاً آماده شده سرحدی به اعماق جمهوری دموکراتیک افغانستان حرکت نمودند. دسته‌های ضد انقلاب توسط نظامیان پاکستانی تقویت میشدند. آنها در برخی از موارد سرکرده گی باند را در دست خود گرفته به طور مثال کاندزادی خان معاون سابق قوماندان عمومی پولیس ولایت شمال غربی سرحدی که همراه باندهای جلادان زیر دست خود تا اعماق دوردست قلمرو افغانستان (تا ولسوالی کامه و ولایت ننگرهار) نفوذ نمود. به اساس گواهی آنی بالوشه خبرنگار مجله "افریقا - آسیا" بر پاکستان تب جنگجویانه مسلط شده و قطعات نظامی که در مرز با هند مستقر بودند، با عجله به غرب منتقل گردیدند، به پشاور فرقه ضد تانک را انتقال دادند و دیدارهای مقامات عالی نظامی چین ک توسط جنرالهای محلی همراهی میشدند، از مرزهای افغانی گسترش یافت و با در نظر داشت تمام اینها ماجراجویی بزرگ مسلحانه تدارک دیده میشد.

بدون شك تنها موقف جدی و اصولی که از طرف اتحاد شوروی اتخاذ گردیده بود، اسلام‌آباد را در آنزمان از دست زدن به اقدامات آشکار نظامی برحذر داشت، ولی حکومت ضیاءالحق به صورت قطعی از اجرای پلانهای تجاوزگرانه منصرف نشد و از آرزوی لگدمال نمودن دموکراسی و آزادی در کشور ما ابا نه ورزیده است. پاکستان که سخاوتمندانه از جانب ایالات متحده امریکا تسلیح و تشویق میگردد، تنها بر تاکتیک خود تجدید نظر نموده و بر اشکال سری و مخفی مداخله اتکا میورزد.

در تحت پوشش شب

قریه شالبافان در نزدیکی شهر جلال آباد موقعیت دارد. سی خانه گلی را درختان سرسبز باغ‌های واقع در دامنه وسیع در خود غرق ساخته که از یکطرف توسط سلسله کوه‌ها و از طرف دیگر توسط مجرای سنگی دریای سرخ رود احاطه میشود. اشعه آفتاب در طول تمام سال سعی مینماید تا تمام موجودات زنده اینجا را به خاکستر مبدل سازد! مربع‌های کوچک زمین‌های تحت آبیاری باغ‌ها و تاکستان‌ها در اثر زحمتکشی‌های بسیاری از نسل‌های ده‌ها قین بر بیابان‌های قبلی ایجاد شده و هر سیرگندم و هر دنده جواری در این محلات به مشکل بدست می‌آید.

بعد از پیروزی انقلاب ثور آوازه اصلاحات اراضی و کمک‌های دولت به ده‌ها قین به این گوشه دور افتاده از پایتخت نیز رسید. حکومت جدید وعده میداد تا زمین را عادلانه توزیع نموده کودکی‌میاوی، تخم‌های بذری و وسایل زراعتی را در اختیار ده‌ها قین قرار داده و در احداث تأسیسات آبیاری کمک نماید. انقلاب به آرمان‌های چندین قرنه مردم جامه عمل می‌پوشانید.

ولی امروز، پس از شش و نیم سال بعد از پیروزی انقلاب ثور قریه شالبافان نمای شوم دارد. بسیاری از ساکنین خانه هایشان را ترك گفته اند. کاریزها ویران شده، زمین‌ها دوباره به بیابان مبدل و جویبارها خشك گردیده اند.

مصیبت این قریه همچو بسیاری از قریه‌های افغانی در آنست که افراد پست و فرومایه ضد انقلابی به صفت نخستین پایگاه خود در طول راه بین پاکستان و اعماق جمهوری دموکراتیک افغانستان اینجا را برگزیده اند. ضمناً در اینجا چندین بار یکجا با اشرار اشخاصی

ظاهر شدند که تابعیت پاکستانی داشتند. آنها زیر پوشش تاریکی شب از سرحد عبور نموده و حین رسیدن به شالباغان یا کدام مرکز مسکونی قبلاً تعیین شده شخصاً عملیات تروریستی بر علیه وطن پرستان محلی را رهبری مینمایند. اشرار را بر علیه تمام آنچه که با دگرگونیهای انقلابی ارتباط میگیرند، ترغیب مینمایند، اهداف تخریبی اینها میتواند کمیته حزبی و کورسهای سواد آموزی و یا کوپراتیفهای دهقانی و غیره باشند.

طور معمول مطلب پیرامون مشاورین و یا مربیان پاکستانی میچرخد که به اشرار اعمال مختلف فعالیت‌های تخریبی را در کمپ‌های آموزش میدهد که در آن طرف مرز موقعیت دارند. این "مربیون" جهت عملی ساختن ارادهٔ باداران خویش که از زمره مقامات عالی رتبه نظامی اسلام‌آباد و همچنین حرفوی‌هایی از خدمات جاسوسی برخی از دول غربی و چین میباشند، به داخل افغانستان به خاطر آن نفوذ میکنند تا بر مثمریت اعمال ضد انقلاب و کاربرد درست "شیوه‌های تدریس شد" به آنها اطمینان حاصل نمایند.

فولاد الماس راننده قبلی گلبدین حکمتیار سرکرده بزرگترین سازمان ضدانقلابی "حزب اسلامی افغانستان" که داوطلبانه در جهت انقلاب قرار گرفت در سال ۱۳۶۰ به خبرنگاران در مورد حقایق فوق حکایت نمود. فولاد الماس که برای مدت مدیدی در قرارگاه "حزب اسلامی افغانستان" در پشاور قرار داشت چندین بار به وی وظیفه داده شد تا بازدید کنندگان ناخوانده خارجی را از طریق سرحد همراهی نماید.

واقعات هجوم بی شرمانه کارمندان نظامی پاکستانی بر افغانستان

بویژه در این اواخر شدت یافته است، چندی قبل همزمان سیزده نفر تخریبکار که خودها را "مشاورین" مینامیدند، به ولایت هرات سفر مخفی نمودند. از امکان دور است که این امر را تصادفی دانست که بعد از ورود آنها به هرات فعالیت‌های ضد انقلابی کسب شدت نمود. "اردو دایجست" مجلهٔ پاکستانی حقایق مربوط به اشتراك هم‌میهنان خود در عملیات جنگی در ساحه ولایات پکتیا و پکتیکا را به چاپ رسانیده است. طور مثال قسمی که مجله شهادت میدهد که در پکتیکا ۲۲ پنجابی مسلح وجود دارند.

به تاریخ ۴ اسد ۱۳۶۳ در ناحیه تری منگل از طریق سرحد گروپ ۹۰ نفری "کوماندو" پاکستانی در تحت قوماندهٔ يك نفر جگرن وارد کشور ما شده و به گروه مذکور وظیفه داده بودند تا در نواحی کابل به دسته‌های مسلح باند کمک‌های مسلحانه نماید. شواهدی در دست است که به اساس آنها پاکستانی‌ها در برخی از عملیات خونین تروریستی در پایتخت جمهوری دموکراتیک افغانستان ضد سکنه ملکی اعم از اطفال، زنان و موسفیدان دست داشتند:

ما شواهد مشخص دیگری را نیز در اختیار داریم که بر اساس آنها اسلام‌آباد دست به استفاده آشکار از نیروی نظامی بر علیه کشور ما میزند. واقعات تخلف برحریم فضایی جمهوری دموکراتیک افغانستان افزایش یافت و ضمناً در سابق نیروی هوایی پاکستان طور معمول اهداف اکتشافی را تعقیب می نمودند. (طور مثال به تاریخ ۱۲ عقرب سال ۱۳۶۲ سه طیاره شکاری در ولایت کنرها از مرز تخلف ورزیدند و به تاریخ ۲۸ عقرب سال ۱۳۶۲ يك هلیکوپتر از بالای پوست‌های سرحدی افغانی در قسمت جنوبی کندهار پرواز نمود) اکنون پیلوتان پاکستانی اوامر صریح برای از بین بردن اهداف واقعی را دریافت میدارند. به طور مثال بتاريخ ۱۵

سنبله ۱۳۶۳ گروهی از هلیکوپترهای پاکستانی در منطقه بریکوت (ولایت کنرها) از حریم فضایی ما تخلف ورزیده و بالای هلیکوپترهای افغانی حمله نموده و دو فروند آنها را جدأ خساره مند ساختند. در اوایل عقرب سال جاری توپخانه پاکستان قلمرو افغانستان را تحت آتش قرار داد که در نتیجه آن چند نفر از اهالی ملکی و کارمندان نظامی جراحات برداشتند.

آیا این اقدامات پاکستان همان پاسخی بود که به ابتکارات صلح جویانه ما در جریان مذاکرات ژنیو ارایه گردید؟

حکوت نظامی پاکستان روش اکیداً غیرجدی را در پیش گرفته است. این حکومت در گفتار پیرامون مساعی خود برای حل و فصل مسالمت آمیز اوضاع اطراف افغانستان سخن می راند. ولی در عمل نه تنها برکمک‌های خود به شورشیان می افزاید بلکه به توسعه عملیات نظامی خود بر علیه جمهوری دموکراتیک افغانستان می پردازد. درین جا چنین تصور به وجود می آید که رئیس جمهور ضیاءالحق در دستان بادران نیرومند امریکایی به عروسک مبدل گردیده که سیاست وی کاملاً منافع ستراتیژیکی آنها را در منطقه منعکس میسازد.

... چیزی که به قریه شالبافان مربوط میگردد - چندی قبل در آن جا بار دیگر ظهور پاکستانی ها با قامت‌های راست نظامی آنان به مشاهده رسیده است.

یکی از آنان، باند شخصی به نام عارف ضابط را راهنمایی مینمود چهار نفر دیگر در ماه‌های حوت و حمل از این منطقه بازدید نمودند. اشتباه نخواهد بود حدس زد که بعد از بازدید آنها در این منطقه بر تعداد بیوه ها و یتیمان و مزارع بایر افزوده شد.

آتشباری شدید افتراآت

کاملاً درست نخواهد بود اگر گفته شود که پاکستان از پلانهای مداخله مسلحانه آشکارا انکار نموده است. به هر صورت آن کشور تمام مداخله مسلحانه را بدون هرگونه شرم در انظار تمام جهان آغاز نموده و اینک شش سال تمام است به آن ادامه میدهد. هدف تجاوز گسترده ایدئولوژیکی بر علیه جمهوری دموکراتیک افغانستان می باشد که در تحقق این تجاوز اپارات عظیم پروپاگندی حکومت نظامی، خدمات جاسوسی و نیز سازمانهای ضد انقلاب افغانی که در ماهیت امر به ضمایم نظامیگران پاکستانی مبدل شده اند. شرکت می‌ورزند.

آنان در عملیات تخریباتی - پروپاگندی از صرف پول دریغ نورزیده و آن را به صفت اجزای مهم جنگ اعلام ناشده همچو تخریب کاری های تروریستی تلقی مینمایند.

پاکستان از مدت‌ها قبل در اهداف رذیلانه خود از "مسئله افغانی" سود جویی می نماید. حکومت در اوایل طبق تمام قواعد جنگ روانی مردم کشور خود را به مسیر دلخواه سوق داده و در ضمن برای اینکار شخصیت های مذهبی افراطی دست راست استفاده به عمل آورده که در موعظه‌های اختصاصاً سانسور شده خویشتن مردم را به اقدامات مسلحانه بر علیه انقلاب ثور گویا غیر "مقبل الله" دعوت می نمودند. بعداً اسلام‌آباد دست به تهاجم شدید پروپاگندی بر علیه افغان‌ها زد و تلاش ورزید در ذهن آنان ایدئولوژی خصمانه ضد انقلابی را تزریق نماید.

تخریبکاری ایدئولوژیک بر علیه جمهوری دموکراتیک افغانستان توسط وزارت اطلاعات و رادیو بر مبنای دستورالعمل‌های

اختصاصی رئیس جمهور ضیالحق سازمان داده میشوند که در اواسط سال ۱۳۶۱ صادر شده است. هشت استیشن رادیویی تبلیغات خصمانه را طور منظم به زبانه‌های کشور ما پخش میکنند. پاکستانی‌ها در تدارک برنامه‌های این استیشن‌ها با نمایندگان دسته‌های ضد افغانی و مراکز پروپاگندی غربی همکاری نزدیک دارند. در لاهور و پشاور به اصطلاح "مراکز اطلاعاتی" سیار ایجاد گردیده که وظیفه اساسی مراکز متذکره را پخش مطالب افتراآمیز در مورد رویدادها در افغانستان تشکیل می‌دهد.

حکومت پاکستان به "رادیو کابل آزاد" که توسط ایالات متحده امریکا ایجاد گردیده است از روی محبت در خاک کشور خود جای داده است. یازده آذخه ثابت رادیویی که در نزدیکی سرحد مشترک بین افغانستان و پاکستان جابجا ساخته شده اند در اختیار رادیو فوق‌الذکر قرار دارد، مطالب و نشرات توطئه آمیز از برنامه‌های "صدای امریکا" و استیشنهای سایر کشور غربی اقتباس گردیده و همچنان مواد زیادی از قرارگاه‌های سازمان‌های ضد انقلابی که جز اپارات عظیم برای برآه انداختن تخریبکاری‌های ایدیالوژیکی، فریبکاری، شانتاژ و توطئه می‌باشند - بدسترس آنها قرار داده میشود.

روز تا روز این استیشن‌های رادیویی با سرازیر ساختن انبوه اطلاعات آشکارا دروغین و جعلی تلاش می‌ورزند به اصطلاح "خصلت غیرقانونی" حکومت موجود در کابل را به اثبات رسانید، تیزس‌هایی در مورد "دشمنان قرآن" (تمام آنانی را که آرزو دارند افغانستان را شگوفان و آزاد ببینند بدین نام مینامند.) با لعاب دهن‌تر میکنند، مراکز تخریبکاری پروپاگندی مکارانه از این حقیقت استفاده مینمایند که میلیون‌ها کوچی و دهقان کشور که مطلقاً بیسواد

بوده و در زندگی سیاسی جهت گرفته نتوانسته اند با چشمان بسته به شعارهای به اصطلاح مذهبی اعتماد می نمایند. در آن طرف مرز به ویژه بالای چنین افراد حساب نموده و با بانگ رسا از آنها دعوت بعمل آورده می شود تا با ملحدین به جهاد بپردازند.

جنگ علیه کی؟ علیه کسانی که برای اولین بار در تمام طول تاریخ چندین قرنه افغانستان در گفتار نه بلکه در عمل مساعی به خرج میدهند تا خلق را از فقر، بی حقوقی، گرسنگی وحشت بار برهانند، علیه مردمانی که رسماً و از سکوی اداره دولت بر احترام خود به اعتقادات مذهبی تاکید ورزیده و توسط اعمال روزمره وفاداری واقعی بر اوامر دینی را از خود نشان میدهند.

دروغ‌های صریح یکی از شیوه‌های مرعوب کننده ذخیره‌گاه پروپاگندهای ضد انقلابی می باشد که به مقصد اخلال ثبات اوضاع در جمهوری دموکراتیک افغانستان و انجام جریان دگرگونی‌های دموکراتیک، ایجاد فضای جار و جنجال و بی اعتمادی - خلاصه برای تخریب و ضعیف سازی موقف‌های حکومت انقلابی در کشور به کار برده می شوند.

استیشن‌های رادیویی و مراکز تبلیغات تخریب کارانه که در جوار سرحدات ما مستقراند تلاش می ورزند در دوستی ۶۰ ساله بین افغانستان و اتحاد شوروی درز ایجاد نمایند و روحیه ضد شوروی را در داخل ائتشار مختلف نفوس مشتعل ساخته و نسبت به سربازان و افسران قطعات محدود اتحاد شوروی که بنا به درخواست حکومت ما به مقصد کمک در دفاع از آزادی و استقلال کشور از حملات از خارج در جمهوری دموکراتیک افغانستان حضور دارند - نفرت را بوجود آورند.

همه استیسنهای حکومتی رادیویی اسلام آباد، هم مراسم‌های مربوط به گروه‌های ضد انقلاب که در قلمرو پاکستان جابجا گردیده اند و هم مراکز توطئه‌های ایدئولوژیکی که به مصارف پولی سی‌ای‌ای تنظیم گردیده اند گروه سراننده‌گان را تشکیل می‌دهند که در برنامه‌های آنها همه روزه افتراآت پیرامون "اشغال شوروی"، "برخوردهای خونین روسها، پیروزی‌های عظیم مجاهدین" و غیره تکرار می‌شوند.

اگر به این استیسنهای رادیویی باور نمود، چنین نتیجه بدست می‌آید که شورشیان تاکنون چنان تعدادی از تانکها، وسایط زره‌دار و سربازان را نابود نموده اند که معادل تمام نیروهای مسلح اتحاد شوروی می‌گردند. امواج رادیویی بویژه از قلمرو پاکستان چنین يك اطلاع ناهنجار احمقانه را همچو اطلاعیه در مورد تصمیم اتحاد شوروی برای نقل مکان دادن تمام افغانها به "سایبریا" پخش نمود. تخریبکاران رادیویی پیرامون "موجودیت عساکر چکوسلواکی، کیوبابی و یمن جنوبی در جمهوری دموکراتیک افغانستان، کاربرد سلاح کیمیاری، اشغال کندهار، هرات و شهرهای دیگر توسط مجاهدین..." به دروغ بافی‌ها می‌پردازند ...

توجه کنید چه کسی به قوانین دین اسلام و اوامر قرآنی و منجمله این آیه مبارک لعنت الله علی‌الکاذبین"، احترام ندارد.

متخصصین جنگ روانی که در بافتن هرگونه افسانه‌های دروغین تخصص کافی دارند در شستشویهای ایدئولوژیکی فراریان افغانی مسکون در کمپ‌های واقع در خاک پاکستان تشریک مساعی می‌ورزند، اگر ذهن بسیاری از این مردمان بدنصیب را پروپاگندهای سراسر دروغین و دشمنان مکرر نمی‌ساختند آنها از مدت‌ها قبل به خانه و کاشانه آبایی خویش بازگشت می‌نمودند. به فراریان تلقین

میشود که در خانه مرگ و یا اگر بخت شان یاری کند بندیخانه در انتظار آنان است. فرامین حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان که برای تمام بازگشت کنندگان به وطن آزادی کامل و امکان اشتغال به کار صلح آمیز را تضمین مینمایند با تلاش زیاد کتمان میگردد. در بین مردمانی که چند سال قبل به علت های گوناگون وطن را ترک گفته اند تصورات تحریف شده پیرامون ماهیت و اهداف دگرگونی های انقلابی و اوضاع در کشور ایجاد میشود. هدف واضح است؛ زیرا ضد انقلاب بویژه فراریان را یعنی آنانی را که به نحوه لازم مغزهای شان شستشو گردیده، فریب خورده، وحشت زده و اکثراً با گرسنگی مرگ آور مواجه بوده اند ذخیره خود محسوب نمود، از بین آنان تروریستان - قاتلان و خائنین را اجیر می نمایند.

حکومت پاکستان خوش دارد عندالموقع از پرابلم هایی شکایت نماید که موجودیت فراریان افغانی برایش به بار آورده است. ولی حقایق مشهود برآند که اسلام آباد علاقمند بازگشت این مردمان فریب خورده به وطن نیست، چندی قبل در مطبوعات غربی اطلاعاتی در مورد نقش نوین که پاکستان و ایالات متحده امریکا برای فراریان ساخته است پخش شده و اکنون آنها را در تیم های سری مخصوص س. آی. ای برای استفاده در کشورهای گوناگون علیه نیروهای که با سیاست امریکا موافق نیستند اجیر می نمایند؛ به طور مثال به صفت یکی از چنین نیروها از سازمان آزادیبخش فلسطین نام می برند.

اتباع برخی از کشورهای غربی که خود را ژورنالیست مینامند به کمک اداره نظامی پاکستان اکثراً به قلمرو ما نفوذ می نمایند. این ژورنالیستان که در بدل پرداخت پول هنگفت خود را به اجاره داده اند، مخفیانه به خاک ما با کمره های عکاسی و فلمبرداری نفوذ نموده

تا پیرامون انقلاب ما و مردم ما جعل‌های نوینی را پشت سر هم قطار نمایند. رهبری پاکستان حتی مواظبت و مصارف تأمین نمودن این مأموریت‌های شوم را متقبل میشود تا فقط بتواند هر چه بیشتر به کشور همسایه ضرر رساند...

اسلام‌آباد به اشرار کمک مینماید تا با تیراژ هر چه بیشتر شبنامه‌ها، جراید، مجلات و کتاب‌هایی را که محتویات آنها با نفرت به انقلاب شور زهر آلود گردیده اند چاپ نمایند. چندی قبل با مساعدت جدی رژیم نظامی موسسه بزرگ طباعتی ضد انقلاب در ولایت سرحدی شمال غربی (مرکز مسکونی جالوزای ناحیه چیرات) گشایش یافت. این موسسه تولیدات طباعتی خود را به چندین لسان منجمله به دری، پشتو، اردو، عربی و انگلیسی به طبع میرساند.

بسیاری چیزها گواه بر آن است که پاکستان در جنگ روانی نیز راه تشدد را در پیش میگیرد. مقیاس‌های آن گسترش یافت و خصلت آن هر چه بیشتر متکامل میگردد. به تاریخ ۱۵ سرطان ۱۳۶۳ ضیاءالحق با نمایندگان ایالات متحده امریکا، جمهوری مردم چین، مصر و عربستان سعودی نشست انجام داد که در ضمن آن مسایل مربوط به تشدید تبلیغات علیه جمهوری دموکراتیک افغانستان مورد بررسی قرار داده شد. در ضمن تصمیم اتخاذ گردید تا بر علاوه باندهای مسلح گروپ‌های مخصوص تبلیغاتی که در ترکیب آنها اتباع پاکستانی نیز شامل ساخته می‌شوند به افغانستان ارسال کردند.

د. باکلی سناتور قبلی مرتجع واشنگتن که اکنون امر عمومی استیشن‌های تخریب کارانه رادیویی "آزادی" و "اروپای آزاد" میباشد در خزان امسال به اسلام‌آباد سفر نمود. موصوف با فعالیت مراکز اطلاعاتی ضد انقلاب افغانی آشنایی حاصل نموده و با جدیت هر چه بیشتر در مورد تحقق موافقتنامه قبلی با ضیاءالحق در مورد

افتتاح شعبه استیشن‌های رادیویی خویش در پشاور که در همه جا از شهرت کاملاً معین "تمویل شدگان" سی. آی. ای برخوردار میباشند بذل مساعی مینمود. این موافقت نامه يك اقدام دیگر دشمنانه حکومت پاکستان میباشد.

در اعلامیه سازمان ملل متحد پیرامون پرنسپ‌های حقوق بین‌المللی تذکر بعمل آمده است: «هیچ يك از کشورها و یا گروپ کشورها حق ندارد طور مستقیم و یا غیرمستقیم به هر علتی که باشد در امور داخلی و خارجی کشورهای دیگر مداخله نمایند.» در این سند ضمناً تذکر داده میشود که هیچ يك از کشورها نباید چنین فعالیتهای مسلحانه - تخریبی یا تروریستی را "سازماندهی، جابجا - تمویل تشویق و یا تجویز نمایند که هدف از آنها تغییر نظام کشور دیگر از طریق زور باشد.»

قسمی که ملاحظه میکنید پاکستان تمام شرایط فوق‌الذکر را نقض نموده و آشکارا از موازین حقوق بین‌المللی تخلف میورزد. ابرهای تیره و تاریک تجاوز و بلا از جنوب شرق بر میهن ما سایه می‌افکند.

ضمیمه ها

در کتاب از اسامی مخفف گروپبندی‌های ضد انقلابی افغانی استفاده عمل آمده:

ح.ای.۱ - حزب اسلامی افغانستان

ج.ای.۱ - جمعیت اسلامی افغانستان

ج.م.ن.۱ - جبهه ملی نجات افغانستان

ج.م.ای.۱ - جبهه ملی اسلامی افغانستان

و.ای.م.۱ - وحدت اسلامی مسلمانان افغانستان

ح.ای.ای.۱ - حرکت انقلاب اسلامی افغانستان

مراکز تربیه ضد انقلابیون افغانی در پاکستان



مراکز و محلات تربیه ضد انقلابیون افغانی در پاکستان

موقعیت هدف	مشخصات مختصر هدف
۱- چترال (در ۳ کیلومتری بطرف شمال)	محل تربیه عمومی عسکری مربوط ج.ای.ا. بظرفیت ۳۰۰ نفر در سال ۱۹۸۰ تأسیس شده
۲- چترال (در ۳ کیلومتری بطرف شمال)	محل آموختن با هاوان و وسایط ضد تانک مربوط ج.ای.ا. بظرفیت ۱۰۰ نفر، میعاد تربیه الی ۳ ماه در سال ۱۹۸۰ تأسیس شده
۳- دروش	مرکز تربیه عمومی عسکری نزد اردوگاه فراریان مربوط ج.م.ن.ا. به ظرفیت ۶۰۰ نفر در سپتامبر سال ۱۹۸۱ تأسیس شده
۴- دروش (در ۴ کیلومتری به طرف جنوب غرب)	محل تربیه عمومی عسکری مربوط ج.ای.ا. به ظرفیت ۲۰۰ نفر در سپتامبر سال ۱۹۸۱ تأسیس شده
۵- گاهرات (در ۱۰ کیلومتری بطرف شمال از دروش)	محل تربیه عمومی عسکری بظرفیت ۱۰۰ نفر در سال ۱۹۸۱ تأسیس شده
۶- میرخانی (در ۱۲ کیلومتری جنوب غرب دروش)	مرکز تربیه عمومی عسکری در ماه جون سال ۱۹۷۹ تأسیس شد.

<p>مرکز تربیه عمومی و مخصوص (امور تخریب و مین گذاری) مربوط ج.م.ای.ا. بظرفیت ۶۰۰ نفر. میعاد تربیه الی ۶ ماه. در سپتمبر سال ۱۹۸۱ تأسیس شد.</p>	<p>۷- دیر (حومه جنوبی)</p>
<p>محل تربیه گروپهای تخریبی - تروریستی مربوط ج.م.ای.ا. در سپتامبر سال ۱۹۸۱ تأسیس شد.</p>	<p>۸- دیر (در ۱۵ کیلومتری بطرف غرب)</p>
<p>محل تربیه عمومی عسکری و آموزش کاربرد هاوان و وسایط ضد تانک مربوط ج.ا.ای.ا.</p>	<p>۹- دیر (در ۱۴ کیلومتری بطرف جنوب غرب)</p>
<p>محل تربیه گروپهای تخریبی - تروریستی بظرفیت ۴۰۰ نفر در اگست سال ۱۹۸۱ تأسیس شده.</p>	<p>۱۰- پروا (در ۲۵ کیلومتری جنوب غرب دیر)</p>
<p>محل تربیه عسکری مربوط ج.م.ن.ا بظرفیت ۲۰۰ نفر، بخش تربیه راکت اندازان موجود است. میعاد تربیه الی ۳ ماه، در مارچ سال ۱۹۸۲ تأسیس شد.</p>	<p>۱۱- خال</p>
<p>محل تربیه عمومی عسکری و آمادگی مخصوص (گروپهای راکت اندازان و تخریبکاران بظرفیت ۲۰۰ نفر در جولای ۱۹۸۲ تأسیس شد.</p>	<p>۱۲- مونده قلعه (در ۲۰ کیلومتری شمال شرق خال)</p>

<p>محل تربیه عمومی عسکری مربوط ج.ای.ا ظرفیت ۲۰۰ نفر ذخیره گاه سلاحها و مهمات جنگی موجود است در فبروری ۱۹۸۴ تأسیس شد.</p>	<p>۱۳ - عمري (در ۵ کیلومتری غرب خال)</p>
<p>محل آمادگی مخصوص عسکری (گروپهای راکت اندازان و تویچی ضد هوا) بظرفیت ۱۵۰ نفر در سال ۱۹۸۰ تأسیس شد.</p>	<p>۱۴ - ناوه گی</p>
<p>مرکز تربیه مخصوص عسکری (کاربرد جنگی مین اندازها و وسایط ضد تانک و دافع هوا) مربوط ج.ای.ا به ظرفیت ۵۰۰ نفر، مربیون - افسران سابق اردوی افغانستان و متخصصین خارجی، در پهلوی مرکز غند تعلیمی بظرفیت ۱۲۰۰ نفر تأسیس شد. مشاورین ایالات متحده امریکا، چین و مصر در آنجا ایفای وظیفه مینمایند و از سال ۱۹۸۲ فعالیت مینمایند.</p>	<p>۱۵ - مامد (در ۲ کیلومتری جنوب ناوه گی)</p>
<p>محل تربیه عمومی عسکری بظرفیت ۲۰۰ نفر، در جون سال ۱۹۷۸ تأسیس شد.</p>	<p>۱۶ - اخکزی داگ (در ۱۰ کیلومتری غرب ناوگی)</p>
<p>محل تربیه عمومی عسکری مربوط ج.ای.ا و ح.ای.ای.ا بظرفیت ۲۵۰ نفر</p>	<p>۱۷ - درگی (در ۱۰ کیلومتری شمالغرب)</p>

<p>مرکز آمادگی مخصوص عسکری (بکاربرد مین‌اندازها، وسایط ضد تانک و دافع هوا) مربوط ح.ای.ا بظرفیت ۹۰۰ نفر، مریبون - مستخدمین نظامی پاکستان در سال ۱۹۸۳ تأسیس شده.</p>	<p>۱۸ - تنگی</p>
<p>محل تربیه عمومی عسکری بظرفیت ۱۰۰ نفر در سال ۱۹۸۳ تأسیس شده.</p>	<p>۱۹ - کوداخیل</p>
<p>محل تربیه عمومی عسکری مربوط ح.ای.ا بظرفیت ۱۵۰ نفر در سال ۱۹۸۱ تأسیس شد.</p>	<p>۲۰ - چار ساده</p>
<p>محل تربیه عمومی عسکری مربوط ح.ای.ا بظرفیت ۲۰۰ نفر در سال ۱۹۸۲ تأسیس شد.</p>	<p>۲۱ - چارسده</p>
<p>محل تربیه عمومی عسکری مربوط ح.ای.ا بظرفیت ۱۰۰ نفر گروه تربیه خرابکاران موجود است، مریبون چین ایفای وظیفه مینمایند. در سال ۱۹۸۳ تأسیس شد.</p>	<p>۲۲ - شیکه دار در ۲۰ کیلومتری شمالغرب چار ساده)</p>
<p>محل تربیه عمومی عسکری نزد اردوگاه فراریان مربوط ح.ای.ا بظرفیت ۳۰۰ نفر در سال ۱۹۸۱ تأسیس شد</p>	<p>۲۳ - لندی کوتل</p>
<p>محل تربیه متخصصین بکاربرد وسایط ضد تانک مربوط ح.ای.ا بظرفیت ۸۰ نفر در سال ۱۹۸۳ تأسیس شد.</p>	<p>۲۴ - توره تیگه (در ۵ کیلومتری بطرف شمال لندی کوتل)</p>

<p>محل آمادگی مخصوص نظام (بکاربرد جنگی راکتاندازهای دستی ضد تانک و ماشیندارهای ثقیل) مربوط ح.ای.ا. بظرفیت ۱۰۰ نفر در مارچ سال ۱۹۸۹ تأسیس شد.</p>	<p>۲۵ - خان آقا کلی (در ۱۵ کیلومتری شمال شرق لندي کوئتل)</p>
<p>مرکز تربیه خصوص نظامی (تخریبکاری و مین اندازی، وسایط ضد تانک و دافع هوا) مربوط و.ای.م.ا بظرفیت ۳۰۰ نفر، مربیون ایالات متحده امریکا و چین. در اگست سال ۱۹۸۴ تأسیس شد.</p>	<p>۲۶ - لوره مینه (در ۱۲ کیلومتری شمال شرق لندي کوئتل)</p>
<p>محل تربیه عمومی عسکری، بظرفیت ۱۵۰ نفر در سپتمبر سال ۱۹۷۹ تأسیس شد.</p>	<p>۲۷ - برگ</p>
<p>مرکز تربیه متخصصین بکاربرد جنگی وسایط دافع هوا منجمله دستگاه قابل حمل راکت دافع هوا " تیر - ۲" و دستگاه های جست (مربوط ح.ای.ا. و ج.م.ای و ج.م.ن.ا بظرفیت ۷۰۰ نفر میعاد تربیه ۳-۶ ماه، مربیون امریکا و چین. در دسمبر سال ۱۹۷۹ تأسیس شد.</p>	<p>۲۸ - وارسک (در ۳۰ کیلومتری شمال غرب پشاور)</p>
<p>محل آموزش تیراندازی با هاوان، راکت اندازهای دستی، ضد تانک و سلاح های پیاده نظام مربوط ح.ای.ا. و ح.ای.ای.ا بظرفیت الی ۲۰۰ نفر، میعاد تربیه از ۳ تا ۶ ماه</p>	<p>۲۹ - اسماعیل کلی (در ۲۰ کیلومتری شمال غرب پشاور)</p>

<p>محل آموزش سلاحهای اتومات و راکت اندازهای دستی ضد تانک، بظرفیت ۷۰ نفر میعاد تربیه ۲ - ۳ ماه.</p>	<p>۳۰- میچنی فورٹ (در ۲۲ کیلومتری شمال غرب پشاور)</p>
<p>مرکز تربیه عمومی عسکری نزد اردوگاه فراریان ناصر باغ. گروه آموزش تخریبکاری و مین گذاری موجود است. مربیون پاکستانی تدریس مینمایند. مربوط ج.م.ای.ا</p>	<p>۳۱- کچه گرهی (در ۱۰ کیلومتری شمال غرب پشاور)</p>
<p>مرکز تربیه متخصصین بکاربرد جنگی انواع مختلف سلاحها مربوط ج.ای.ا و ج.ای.ا در داخل شهر در پهلوی سینمای "فردوسی" موقعیت دارد. مربیون چین تدریس مینمایند.</p>	<p>۳۲ - پشاور - ۱</p>
<p>مرکز تربیه عمومی عسکری مربوط احزاب مختلف به ظرفیت عمومی الی ۴۰۰ نفر. مربیون پاکستانی ایفای وظیفه مینمایند.</p>	<p>۳۳ - پشاور - ۲ (حومه غربی)</p>
<p>مرکز آموزشی کاربرد انواع مختلف سلاحها مربوط ج.ای.ای.ا و ج.م.ای.ا بظرفیت الی ۳۰۰ نفر، مربیون پاکستانی و افسران سابق افغانی تدریس مینمایند.</p>	<p>۳۴ - پشاور - ۳ (حومه غربی)</p>
<p>مرکز تربیه عمومی و آمادگی مخصوص نظام بظرفیت الی ۴۰۰ نفر، گروه تربیه خرابکاران تروریست موجود است. مربیون چین تدریس مینمایند</p>	<p>فقیرآباد (اطراف پشاور)</p>

<p>محل تربیه متخصصین بکاربرد جنگی و سایط دافع هوا، منجمله دستگاه های قابل حمل راکت های ضد هوا مربوط ح.ای.۱ بظرفیت الی ۱۵۰ نفر. در نومبر سال ۱۹۸۱ تأسیس شد.</p>	<p>۶۳ - کلکتہ (اطراف پشاور)</p>
<p>محل تربیه عمومی عسکری مربوط ج.م.ن.۱ بظرفیت ۱۰۰ نفر، گروپ تربیه خرابکاران تروریست موجود است. میعاد آموزش ۶ ماه افسران پاکستانی تدریس مینمایند.</p>	<p>۳۷ - درمانگی (حومه شمال غربی پشاور)</p>
<p>محل تربیه متخصصین پیشبرد پروپاگند تخریبی مربوط ح.ای.۱ بظرفیت الی ۲۰۰ نفر، میعاد آموزش - یک و نیم ماه، در سال ۱۹۸۰ تأسیس شد.</p>	<p>۳۸ - تل پایان - بالا (در ۵ کیلومتری بطرف غرب پشاور)</p>
<p>مرکز تربیه عمومی عسکری نزد اردوگاه فراریان، در عین زمان الی ۷۰۰ نفر تعلیم می بینند. گروپ تربیه افراد دافه هوا موجود است.</p>	<p>۳۹ - جمروڈ (در ۱۲ کیلومتری غرب پشاور)</p>
<p>محل تربیه افراد مخابره مربوط ح.ای.۱ و ج.ای.۱ بظرفیت الی ۱۰۰</p>	<p>۴۰ - فورٹ سالوپ (در ۲۰ کیلومتری جنوب غرب پشاور)</p>
<p>محل تربیه عمومی عسکری مربوط ج.ای.۱ بظرفیت ۶۰ نفر</p>	<p>۴۱ - پیپی</p>

<p>محل تربیه عمومی عسکری مربوط ح.ای.ا بظرفیت ۲۵۰ نفر، گروپ تربیه تخریبکاران موجود است، میعاد آموزش الی ۳ ماه، مربیون پاکستانی تدریس مینمایند.</p>	<p>۴۲ - نوشهر</p>
<p>محل تربیه عمومی عسکری مربوط ج.م.ای.ا و م.ن.ا بظرفیت ۱۰۰ نفر، افسران احتیاط پاکستانی تدریس مینمایند.</p>	<p>۴۳ - ده بهسود (در ۱۷ کیلومتری غرب نوشهر)</p>
<p>محل تربیه عمومی عسکری، در اگست سال ۱۹۸۲ تأسیس شد.</p>	<p>۴۴ - جلوزی (در ۲۰ کیلومتری جنوب غرب نوشهر)</p>
<p>مرکز تربیه خرابکاران جهت اجرای عملیات مخصوص در قلمرو ج. د. ا، مربیون امریکا، چین و پاکستان ایفای وظیفه مینمایند. اسلحه و اجزای ترکیبی آن توسط چین رسانیده میشود.</p>	<p>۴۵ - اٹک</p>
<p>مرکز تربیه استخباراتی و تخریب کارانه نظامیان سابق افغانی، بظرفیت ۳۰۰ نفر، میعاد تربیه - ۳ ماه، مربیون امریکایی و متخصصین پاکستانی ایفای وظیفه مینمایند. در اگست سال ۱۹۸۲ تأسیس شد.</p>	<p>۴۶ - ماشوخیل (فورت باره)</p>

<p>محل آموختن تیراندازی با ماشیندارهای ثقیل، راکت اندازهای دستی ضد تانک هاوان و فعالیتهای خرابکارانه و تروریستی</p>	<p>۴۷- کمپیل فورت</p>
<p>مرکز تربیه قوماندانهای دستجات و گروههای یاغیان. مربیون متخصصین نظامی ایالات متحده امریکا، چین و پاکستان.</p>	<p>۴۸- اسلامآباد</p>
<p>محل تربیه عمومی عسکری مربوط ج.م.ن.ا بظرفیت ۲۵۰</p>	<p>۴۹- ماتانی</p>
<p>محل تربیه متخصصین بکاربرد جنگی وسایط دافع هوا برضد هدف هایی که در ارتفاع کم پرواز میکنند. مربیون امریکایی تدریس مینمایند</p>	<p>۵۰- توتکی</p>
<p>مرکز تربیه عمومی عسکری مربوط ج.ای.ا، ج.ای.ای.ا، و ج.م.ن.ا بظرفیت ۴۰۰ نفر، میعاد تربیه - یک ماه، میدان انداخت موجود است. در ماه فیروی سال ۱۹۸۱ تأسیس شد.</p>	<p>۵۱- پاره چنار (حومه شمالی)</p>
<p>محل تربیه خرابکاران و تروریستها. در عین زمان ۲۵ نفر تعلیم مینمایند. مربیون پاکستانی تدریس مینمایند. در فیروی سال ۱۹۸۱ تأسیس شد.</p>	<p>۵۲- پاره چنار (در محوطه قشله عسکری)</p>

<p>مرکز تربیه عمومی و مخصوص نظامی مربوط ح.ای.۱ بظرفیت ۸۰۰ نفر، میعاد تربیه الی ۶ ماه</p>	<p>۵۳ - دند. (در ۱۰ کیلومتری پاره چنار)</p>
<p>محل تربیه عمومی عسکری نزد اردوگاه فراریان مربوط ح.ای.۱ بظرفیت ۱۵۰ نفر، میعاد تربیه ۳ ماه</p>	<p>۵۴ - تری منگل (در ۱۵ غرب کیلومتری پاره چنار)</p>
<p>محل تربیه عمومی عسکری نزد اردوگاه فراریان مربوط حزب اسلامی بریاست یونس خالص، بظرفیت ۱۰۰ نفر، میعاد تربیه الی ۳ ماه</p>	<p>۵۵ - غوزه گرهی (در ۱۲ کیلومتری جنوب غرب پاره چنار)</p>
<p>محل تربیه عمومی عسکری، مربوط ح.ای.۱ افسران سابق افغانی تدریس مینمایند.</p>	<p>۵۶ - میله (در ۵ کیلومتری شرق پاره چنار)</p>
<p>مرکز تربیه عمومی عسکری مربوط ح.ای.۱، غند تعلیمی بظرفیت ۱۲۰۰ نفر تشکیل شد. میعاد تربیه یک ماه و سه ماه. متخصصین مصری تدریس مینمایند. در نومبر سال ۱۹۸۱ تأسیس شد. در سال ۱۹۸۰ تأسیس شده</p>	<p>۵۷ - سادا</p>

<p>محل تربیه متخصصین بکار برد راکت انداز های قابل حمل ضدهوا مربوط ح.ای.ا در نومبر سال ۱۹۸۱ تأسیس شد.</p>	<p>۵۸ - سادا (حومه شرقی)</p>
<p>محل تربیه عمومی عسکری مربوط ح.ای.ا بظرفیت ۸۰ نفر در سال ۱۹۷۹ تأسیس شد.</p>	<p>۵۹ - اراولی (در ۱۰ کیلومتری بطرف غرب)</p>
<p>مرکز تربیه عمومی عسکری مربوط ح.م.ن.ا بظرفیت ۶۰ نفر در ماه مارچ سال ۱۹۸۱ تأسیس شد.</p>	<p>۶۰ - حاضر پیر (در ۳ کیلومتری اراولی)</p>
<p>محل تربیه خراب کاران از جمله نظامیان سابق اردوی افغانی مربوط ح.م.ن.ا بظرفیت ۴۰ نفر در مارچ ۱۹۸۱ تأسیس شد.</p>	<p>۶۱ - بزیدل کلی</p>
<p>محل تربیه متخصصین تخریبکاری و مین گذاری و افراد دافع هوا مربوط ح.ای.ا بظرفیت ۵۰ نفر در اگست سال ۱۹۸۰ تأسیس شد.</p>	<p>۶۲ - علی زی</p>
<p>محل تربیه عمومی عسکری و همچنان متخصصین پیشبرد فعالیت‌های خرابکارانه و تروریستی مربوط حزب اسلامی یونس خالص بظرفیت ۵۰ نفر در فبروری سال ۱۹۸۱ تأسیس شد.</p>	<p>۶۳ - بگزی (در ۲ کیلومتری جنوب غرب علیزی)</p>

<p>محل تربیه تخریبکاران و افراد دافع هوا بظرفیت ۱۵۰ نفر در اگست ۱۹۸۲ تأسیس شد.</p>	<p>۶۴ - ککه میله (در ۶ کیلومتری جنوب غرب علیزی)</p>
<p>محل تربیه عسکری</p>	<p>۶۵ - خانگو</p>
<p>محل تربیه متخصصین مبارزه با تانکها و اهداف هوایی (منجمله متخصصین بکاربرد جنگی راکت اندازهای قابل حمل ضد هوا) مربوط ج.م.ن.ا.</p>	<p>۶۶ - کونده کلی (در ۵ کیلومتری شمال کوهات)</p>
<p>مرکز تربیه یاغیان مربوط احزاب مختلف ضد انقلابی. قوماندانهای دستجات و گروپها و متخصصین تربیه میشوند. مربیون امریکایی، چینایی و مصری تدریس مینمایند. در اپریل سال ۱۹۸۱ تأسیس شد.</p>	<p>۶۷ - کوهات (حومه شرقی)</p>
<p>محل تربیه متخصصین بکاربرد جنگی هاوان و وسایل دافع هوا، بظرفیت الی ۲۰۰ نفر، میعاد تربیه ۲-۳ ماه. بعد از آن یاغیان برای دوره ستاژ یکماه به مرکز تربیه وارسک اعزام میشوند، مربیون مصری و پاکستانی تدریس مینمایند.</p>	<p>۶۸ - ایمل چپوتره (در ۱۴ کیلومتری شما کوهات)</p>

<p>محل تربیه متخصصین تخریبکاری و مین گذاری و افراد دافع هوا مربوط ج.م.ن.ا، در محوطه قشله عسکری موقعیت دارد. بظرفیت ۷۰ نفر.</p>	<p>۶۹ - تل (در ۳ کیلومتری شرق)</p>
<p>مرکز تربیه متخصصین مختلف مربوط ح.ای.ا، ج.م. ای.ا بظرفیت ۷۰۰ نفر، میعاد تربیه الی ۶ ماه، گروه تربیه خرابکاران تحت ریاست مربیون امریکایی و پاکستانی موجود است. درجنوری ۱۹۷۹ تأسیس شد.</p>	<p>۷۰ - میرام شاه (در ۳ کیلومتری شمال غرب)</p>
<p>محل تربیه متخصصین تخریبکاری و مین گذاری و مبارزه با اهداف زره دار، بظرفیت ۱۵۰ نفر، مربیون چینیای ایفای وظیفه مینمایند.</p>	<p>۷۱ - سپین وم (در ۳۵ کیلومتری شرق میرام شاه)</p>
<p>محل تربیه تخصصین مبارزه با اهداف هوایی و راکت اندازان مربوط ج.م.ای.ا در اگست سال ۱۹۸۱ تأسیس شد.</p>	<p>۷۲ - جلام خان (در ۱۷ کیلومتری شمال غرب میرام شاه)</p>
<p>مرکز تربیه عمومی و مخصوص نظامی، در محوطه قشله عسکری موقعیت دارد، بظرفیت ۲۰۰۰ نفر، گروههای مخصوص تربیه تروریستها موجود است (تیراندازی با تفنگ دارای نشانه گیری اپتیک و سلاحهای بی صدا). بعضی گروپ ها ملیس به یونیفورم عسکری افغانی میباشند.</p>	<p>۷۳ - میر علی (در ۱۸ کیلومتری شرق میرام شاه)</p>

<p>مرکز تربیه عمومی عسکری مربوط ج.م.ن.ا، نزد اردوگاه فراریان</p>	<p>۷۴ - باتو</p>
<p>مرکز تربیه عمومی عسکری نزد اردوگاه فراریان، بظرفیت ۵۰۰ نفره مربیون امریکایی، گروپ آموختن وسایل دافع هوا</p>	<p>۷۵ - میانولی</p>
<p>محل تربیه خرابکاران، مربیون از قطعات عسکری کماندوی پاکستانی ایفای وظیفه مینمایند.</p>	<p>۷۶ - رزمک</p>
<p>محل تربیه استخباراتچیان و خرابکاران، در نومبر ۱۹۸۰ سال تأسیس شد.</p>	<p>۷۷ - چانداله</p>
<p>محل تربیه عمومی عسکری مربوط ج.م.ن.ا و ح.ای.ا بظرفیت ۱۲۰ نفر، در مارچ ۱۹۸۰ تأسیس شد.</p>	<p>۷۸ - وانا (در ۲۰ کیلومتری غرب)</p>
<p>مرکز تربیه عمومی عسکری نزد اردوگاه فراریان، بظرفیت ۸۰۰ نفر، تدریس در محوطه قشله عسکری صورت میگیرد.</p>	<p>۷۹ - مانزی</p>

<p>محل آموختن بکاربرد انواع مختلف سلاحها مربوط ح.ای.ای.۱ بظرفیت ۶۰ نفر، میعاد آموزش الی ۶ ماه.</p>	<p>۸۰ - تاتک</p>
<p>محل تربیه عموم عسکری نزد اردوگاه فراریان، مربوط ح.ای.۱، کتله اساسی تعلیم دیدگاه متعلق به قبیله منگل میاشد.</p>	<p>۸۱ - مدی</p>
<p>مرکز تربیه متخصصین بکاربرد سلاحهای قبل از قبیل هاوان و راکت اندازها، بظرفیت الی ۳۰۰ نفر، مربیون از ایالات متحده امریکا و چین تدریس مینمایند. این مرکز بر اساس قشله عسکری قوای سرحدی پاکستان تأسیس شد.</p>	<p>۸۲ - چمن</p>
<p>محل تربیه عمومی عسکری، بظرفیت الی ۱۰۰ نفر</p>	<p>۸۳ - حاجی ملاکلی (در کیلومتری جنوب غرب چمن)</p>
<p>محل تربیه عمومی عسکری بظرفیت ۱۵۰ نفر</p>	<p>۸۴ - چمن (در ۳ کیلومتری غرب)</p>

<p>مرکز تربیه متخصصین تخریبکاری و مین گذاری و بکاربرد جنگی وسایط دافع هوا بظرفیت ۱۰۰ نفر، مربوط ج.م.ای.ا و ج.م.ن.ا مربیون امریکایی و پاکستانی ایفای وظیفه مینمایند. در مرکز قرارگاه انتقال اسلحه به بخش جنوب شرقی ولایت کندهار (ج. د. ا) تأسیس شد</p>	<p>۸۵ - رگهاتی (در ۸ کیلومتری جنوب شرق چمن)</p>
<p>محل تربیه متخصصین بکاربرد جنگی وسایل دافع هواه و سترواخفا در مقابل حملات هوایی. میعاد تربیه - ۳ ماه، افسران متقاعد اردوی پاکستانی بحیث مربیون ایفای وظیفه مینمایند. یاغیان تعلیم دیده انتقال اسلحه را به قلمروج. د. ا تأمین مینمایند. در ماه می سال ۱۹۸۴ تأسیس شد.</p>	<p>۸۶ - بوغرا کاریز (در ۱۰ کیلومتری شرق چین)</p>
<p>مرکز تربیه عمومی عسکری نزد اردوگاه فراریان مربوط ج.م.ای.ا و ج.م.ن.ا، گروپ تربیه افراد "کماندو" موجود است. میعاد تربیه - ۴ - ماه.</p>	<p>۸۷ - پیشین</p>
<p>مرکز تربیه عمومی عسکری نزد اردوگاه فراریان مربوط ج.م.ای.ا و ج.م.ن.ا بظرفیت ۵۰۰ نفر.</p>	<p>۸۸ - کویته</p>
<p>محل تربیه عمومی عسکری مربوط ج.م.ای.ا، بظرفیت ۳۰۰ نفر.</p>	<p>۸۹ - کویته</p>

محل تربیه عمومی عسکری	۹۰- شیخ واسیل
محل تربیه عمومی عسکری	۹۱- دادهار
مرکز تربیه نزد اردوگاه‌های فراریان مربوط ح.ای.ای.، ج.م.ای.ا، ح.ای.ا.ج. ای.ا، بظرفیت الی ۴۰۰ نفره آموزش عملیات خرابکارانه - تروریست، انداخت، بکاربرد بم های دستی کیمیای.	۹۲- نوشکی (در ۵ کیلومتری غرب)
مرکز تربیه نزد اردوگاه‌های فراریان بظرفیت ۳۰۰ نفر مربوط ح.ای. ای.ا	۹۳- چگی
محل تربیه عمومی عسکری نزد اردوگاه فراریان مربوط ح.ای. ای.ا، در عین حال الی ۲۰۰ نفر تعلیم میبینند.	۹۴- چگی (در ۱۰ کیلومتری جنوب)

ذخیره گاه‌های اسلحه مهمات جنگی و خواربار ضد انقلابیون
افغانی در پاکستان

تعداد ذخیره‌گاه‌ها

نمبر مسلسل محل

ذخیره گاه‌های اسلحه و مهمات جنگی

۱. تار
۲. کودا خیل
۳. پشاور
۴. پاره چنار (چهار)
۵. ماتانی
۶. سادا
۷. خانگو
۸. ککه مینه
۹. موسی تیگا
۱۰. میرامشاه
۱۱. ماشا
۱۲. وانا
۱۳. چمن

ذخیره گاه های خوار بار

۱. چترال
۲. دروش (چهار)
۳. دیر
۴. مردان (دو)
۵. پیشاور (دوازده)
۶. برگ (دو)
۷. پاره چنار (شش)
۸. کوهات (شش)
۹. علی زی (دو)
۱۰. بنو (سه)
۱۱. میرام شاه (هشت)
۱۲. وانا (چهار)
۱۳. تانک (سه)
۱۴. زوب (دو)
۱۵. چمن
۱۶. پیشین
۱۷. کویته (سه)
۱۸. دوکی
۱۹. شیخ واسیل
۲۰. سی بی
۲۱. نوشکی
۲۲. دال باندین

بازپخش دیجیتال: انتشارات راه پرچم:

<http://rahparcham1.org/>